

بررسی وضعیت جنبش صنفی معلمان در ایران



www.davtalab.org

۱۴۰۲

تجمع فرهنگیان در اعتراض به نابرابری ها

بررسی وضعیت
جنبش منتهی‌العلمان
در ایران



www.davtalab.org

۱۴۰۲

خلاصه گزارش:

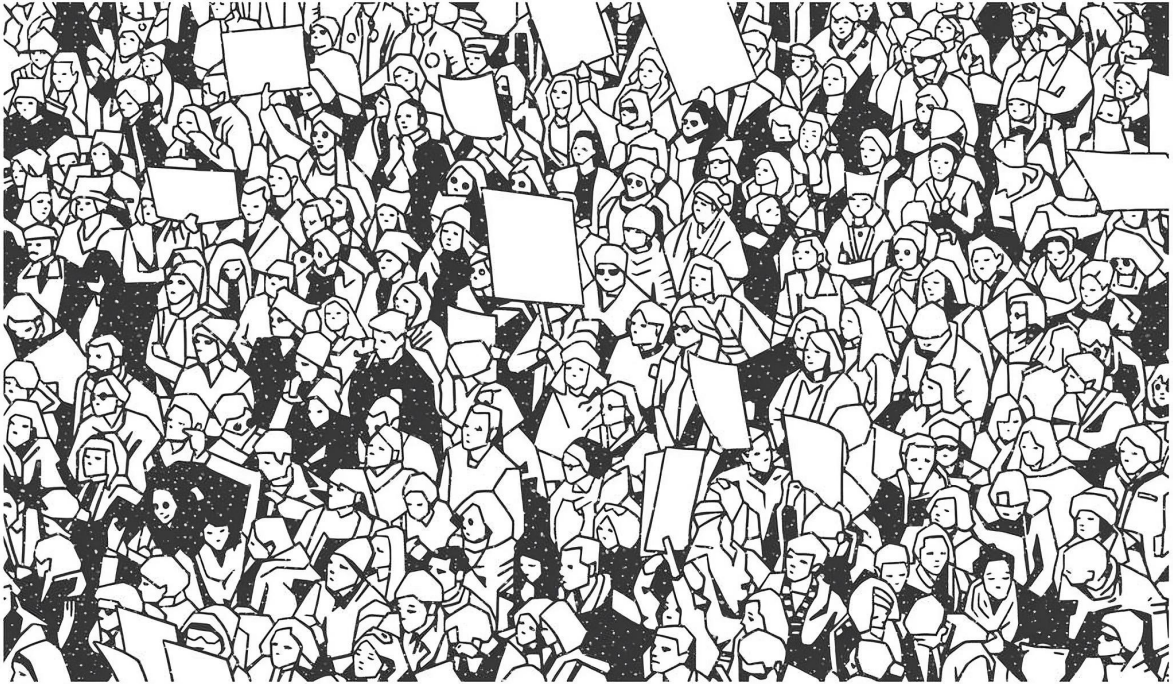
این گزارش به بررسی وضعیت جنبش صنفی معلمان ایران در سال ۱۴۰۲ می‌پردازد. جنبشی که نزدیک به دو دهه از اوج‌گیری فعالیت‌های آن می‌گذرد و به واسطه فعالیت‌ها و اعتراضات میدانی و نسبت خود با جنبش‌های اجتماعی و کارگری به یکی از پویاترین جنبش‌های اجتماعی تبدیل شده و در طول دوره مورد مطالعه این گزارش با چالش‌های مختلفی به ویژه برای فعالان صنفی معلمان مواجه شد.

پیوند جنبش صنفی معلمان با جنبش ضدحکومتی «زن، زندگی، آزادی» در پاییز ۱۴۰۱ و حمایت فعالان و تشکل‌های صنفی معلمان از کودکان و دانش‌آموزان معترضی که به اعتراضات سراسری پیوسته بودند، منجر به بازداشت و محکومیت‌های قضایی و محرومیت‌های شغلی برای دهها فعال صنفی شد که کماکان نیز ادامه دارد. اینها در شرایطی رقم خورد که جنبش صنفی معلمان در روزهای پیش از شروع اعتراضات ضدحکومتی ۱۴۰۱ در ایران و در حالیکه مطالباتی چون اجرای قانون رتبه‌بندی شاغلان، همسان‌سازی حقوق بازنشستگان و موضوعات مرتبط با عدالت آموزشی را دنبال می‌کرد، روزهای تلخ سرکوب و اعمال فشار گسترده امنیتی بر فعالان صنفی خود را تجربه کرد. یافته‌های این بررسی بیانگر آن است که گرچه فعالان و تشکل‌های صنفی معلمان در یک سال گذشته و در پی افزایش فشارهای امنیتی، نتوانستند همچون گذشته امکان کنشگری پویا در فضای عمومی را به دست آورند اما توانستند با استفاده از ظرفیت شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی در فضای مجازی فعال بمانند و پیوندی میان خود و سایر گروههای اجتماعی ایجاد کنند. این تلاش‌ها در حالی پیگیری می‌شود که نظام آموزشی ایران و سازوکارهای معیوب حاکم بر آن همچنان زمینه‌ساز اصلی کنش‌های اعتراضی است.

فهرست مطالب:

نگاهی به وضعیت جنبش صنفی معلمان در یک سال گذشته (فروردین ۱۴۰۲ تا فروردین ۱۴۰۳)	۵
نسبت جنبش صنفی معلمان با اعتراضات مردمی و جنبش «زن، زندگی، آزادی»	۸
شیوه مواجهه دولت با کنشگران و تشکلهای صنفی معلمان	۱۲
جنبش صنفی معلمان و واقعیت‌های نظام آموزشی در ایران	۲۰
مطالبات و نقاط ضعف و قوت جنبش صنفی معلمان	۲۹
جمع‌بندی	۳۲
اسامی معلمان بازداشتی، زندانی در سال ۱۴۰۲	۳۷

نگاہے به وضعیت
جنبش صنفی معلمان
(فروردین ۱۴۰۲ تا فروردین ۱۴۰۳)



جنبش صنفی معلمان

سابقه کنش‌های اجتماعی سازمان‌یافته در ایران پس از انقلاب ۵۷، شاید به تعداد انگشتان دست هم نرسد. با اینهمه در دو دهه ۸۰ و ۹۰ خورشیدی و در پی تحولات گفتمانی حاکم بر فضای سیاسی و مدنی، فقیرتر شدن طبقه متوسط در پی گسترده شدن بحران‌های اقتصادی ناشی از تحریم‌های بین‌المللی و ناکارآمدی دولت‌ها در پاسخگویی به مطالبات اجتماعی، برخی از گروه‌های صنفی همچون «معلمان»، با ایجاد انجمن‌ها و کانون‌های صنفی شکل‌هایی از کنشگری جمعی سازمان‌یافته را در دستور کار قرار دادند تا صدای خود را به گوش دولتمردان برسانند.

مطالبات آنها چندان دور از دسترس نبود. اجرای قوانینی که مدتها از تصویب آنها می‌گذشت همچون «قانون رتبه‌بندی» برای شاغلان و اجرای «قانون مدیریت خدمات کشوری» و همسان‌سازی حقوق برای بازنشستگان مهمترین محور مطالبات آنها را تشکیل می‌داد. کنشگران و تشکلهای صنفی که از وضعیت کلاس‌های شلوغ، فقر امکانات آموزشی، نابرابری و بی‌عدالتی گسترده در پی کالایی شدن آموزش و بحرانی شدن اوضاع اقتصادی جامعه به تنگ آمده بودند، تلاش کردند پیوندی میان مطالبات خود و مطالبات سایر ذینفعان آموزشی بیابند. شاید با این امید که همبستگی گروه‌های مختلف اجتماعی که هر یک به نوعی در فرآیندهای آموزشی ذینفع محسوب می‌شوند، راه را برای تغییر بنیادین نظام آموزشی باز کند.

از نیمه دوم دهه ۹۰، این تلاش‌ها با گام‌های محکم‌تر و اقدامات سازمان‌یافته‌تری از سوی تشکلهای و کنشگران صنفی آنان دنبال شد. «شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان» که از به هم پیوستن کانون‌ها و انجمن‌های صنفی معلمان در نقاط مختلف کشور تشکیل شده، وظیفه سازماندهی این کنش‌های صنفی را بر عهده داشت و در این راه از ظرفیت شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی نیز استفاده کرد. با وجود برخی اشکالات درونی در سازوکار اجرایی این شورا، انتشار بیانیه در واکنش به نقض حقوق معلمان و دانش‌آموزان، صدور فراخوان برگزاری تجمعات و تحصن‌های صنفی، برگزاری کارزارها و انتشار نامه‌های سرگشاده خطاب به مسئولان و پیگیری حقوق صنفی معلمان از طریق ایجاد کمیته‌های پیگیری از جمله اقدامات این شورا برای پیشبرد مطالبات صنفی معلمان بود.

اما این شکل از سازماندهی منسجم، سازوکارهای امنیتی و حکومتی را که تحمل پویایی جامعه مدنی مستقل را نداشتند و این انسجام صنفی را تهدیدی برای ساختار قدرت و بیش از چهاردهه آموزش ایدئولوژیک تلقی می‌کردند، عصبانی کرد. در نتیجه سرکوب جنبش صنفی معلمان در مقاطع مختلفی در دستور کار قرار گرفت.



این سرکوب‌ها در اردیبهشت ۱۴۰۱ یعنی درست زمانی که جنبش صنفی معلمان با برگزاری متوالی تجمعات و راهپیمایی‌های خیابانی در اعتراض به نقض حقوق صنفی و آموزشی یکی از دوران‌های طلایی خود را سپری می‌کرد، به نقطه اوج خود رسید. در آستانه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۱ که مصادف است با روز کارگر و روز معلم در ایران، قرار بود تجمعی با فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان شکل بگیرد که پیش از برگزاری با بازداشت تعداد از سرشناس‌ترین اعضای کانون‌های صنفی تهران و سنجند سرکوب شد. محمد حبیبی، رسول بدایقی، جعفر ابراهیمی، اسکندر لطفی، مسعود نیکخواه از جمله کنشگرانی بودند که یک روز مانده به این تجمعات سراسری معلمان با حمله نیروهای امنیتی به خانه‌هایشان بازداشت شدند. اتهام آنها دیدار با دو معلم و فعال صنفی تبعه فرانسه بود که گفته شد برای تفریح به ایران آمده بودند. دولت ایران اما با اتهام «جاسوسی» و تلاش برای «براندازی» از طریق دریافت پول این دو تبعه فرانسوی و جمعی از فعالان صنفی معلمان را بازداشت کرد. این اقدامات سرکوبگرانه توانست منجر به توقف اعتراضات میدانی معلمان در خیابان‌ها شود و مطالبات خود را در سطح رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی دنبال کند.

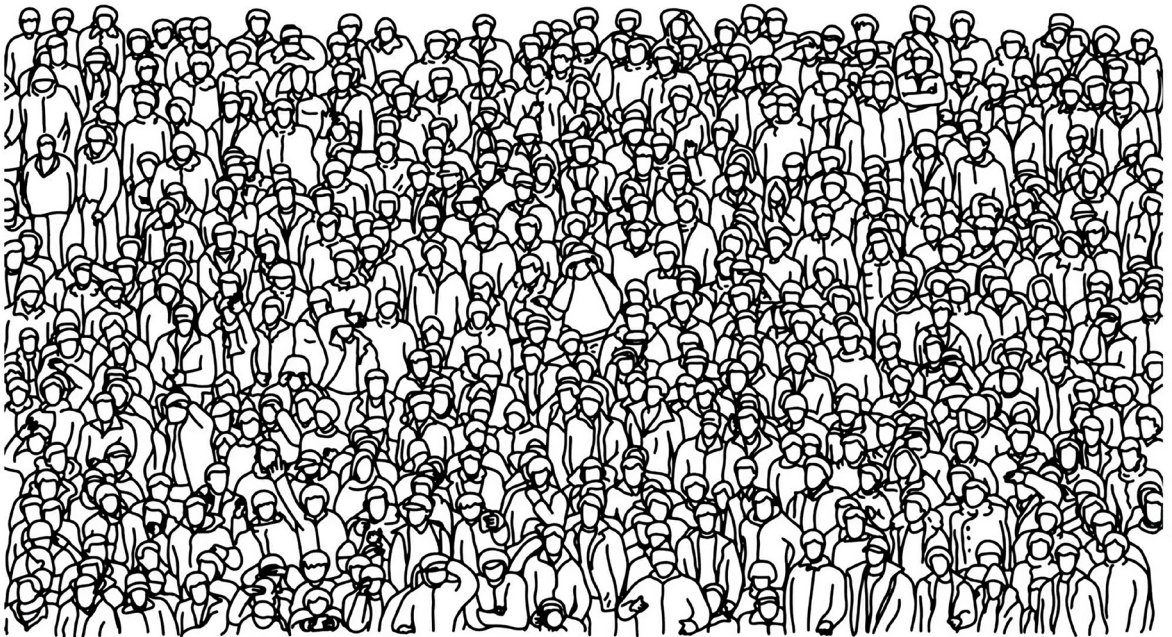
اما در روزهای پایانی تابستان ۱۴۰۱ در حالیکه که دولت در تلاش بود با اجرای قانون رتبه‌بندی به بخشی از مطالبات معلمان معترض پاسخ دهد، آتش اعتراضات سراسری در ایران شعله‌ور شد و جنبش صنفی معلمان نیز وارد فاز تازه‌ای از فعالیت‌های خود شود.

نسبت جنبش

صنفِ معلمان با

اعتراضات سراسری

(جنبش زن زندگے آزادی)



معلمان با اعتراضات سراسری

اواخر شهریور ۱۴۰۱، حدود ۵ ماه پس از سرکوب اعتراضات صنفی معلمان؛ مردم ایران در اعتراض به مرگ مشکوک مهسا امینی زن جوانی که به دلیل پوشش اختیاری در بازداشت پلیس امنیت اخلاقی کشته شد، به خیابان‌ها آمدند. این اعتراضات به طور رسمی از ۲۷ شهریور ۱۴۰۱ و در حین برگزاری مراسم خاکسپاری مهسا امینی در سفز کردستان آغاز شده و به خیابان‌های حدود ۸۷ شهر کشور کشیده شد. بر اساس گزارش سازمان حقوق بشر ایران^۱ دستکم ۵۳۷ نفر در جریان این اعتراضات و در پی سرکوب گسترده حکومت و درگیری میان مردم و نیروهای امنیتی کشته شدند که از میان‌شان دستکم ۶۸ تن، کودک بوده‌اند.

جنبشی که گرچه از ابتدا با شعار محوری «زن، زندگی، آزادی» صورتی زنانه به خود گرفت، اما به تدریج به اعتراضات ضدحکومتی تبدیل شد. گروه‌های مختلفی به این جنبش پیوستند که از جمله آنها می‌توان به معلمان و دانش‌آموزان مدارس بویژه دانش‌آموزان مدارس دخترانه اشاره کرد که از شیوه‌های منحصربه‌فردی برای بیان اعتراض خود استفاده می‌کردند.

دختران دانش‌آموز که سالها با پوشش اجباری در کلاس‌های درس حاضر می‌شوند از فرصت به وجود آمده در جریان اعتراضات سراسری استفاده کردند و با اقداماتی چون «برداشتن روسری» و «روسری سوزان» به جنبش زن، زندگی، آزادی پیوستند. برگزاری تجمعات اعتراضی در داخل و راهپیمایی در فاصله مدرسه تا خانه، سردادن شعارهایی در راستای تغییر رژیم اسلامی، به اشتراک‌گذاری ویدئوها و عکس‌هایی در شبکه‌های اجتماعی از پاره کردن تصاویر بنیانگذار و رهبر جمهوری اسلامی از کتابهای درسی و پایین کشیدن تصاویر آنها از دیوار کلاس‌ها و شعارنویسی بر دیوارهای مدارس و میز و نیمکت‌ها از جمله اقدامات دانش‌آموزان دختر بود. مقابله انضباطی با دانش‌آموزان معترض، تنبیه و اخراج آنها از مدارس و در نهایت حمله شیمیایی و انتشار گاز سمی در برخی مدارس که منجر به مسمومیت‌های زنجیره‌ای دانش‌آموزان در برخی مدارس کشور شد از جمله اقدامات حامیان حکومت بر علیه دانش‌آموزان معترض بود.

۱. <https://www.bbc.com/persian/articles/c4n7rn81wyjo>

پیوند معلمان با دانش‌آموزان معترض

حمایت از دانش‌آموزان معترض و حق آنها برای پیوستن به اعتراضات میدانی، محکومیت بازداشت و کشتار معترضان و بویژه کودکان دانش‌آموز، محکومیت احضار و پرونده‌سازی امنیتی و قضایی برای معلمان و فعالان صنفی و همچنین اعتراض به محرومیت‌های شغلی برای معلمان که از جنبش سراسری اعلام حمایت کرده بودند، از جمله اقدامات شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در همبستگی با جنبش ضدحکومتی مردم در پاییز ۱۴۰۱ بود. انتشار گزارش روزانه اعتراضات در مدارس، جمع‌آوری لیستی از دانش‌آموزان و کودکان بازداشت یا کشته شده در جریان اعتراضات، ارائه گزارش‌هایی در خصوص روند حملات شیمیایی به مدارس دخترانه و آسیب‌های متعاقب آن، رصد خبرهایی در خصوص بازداشت، احضار و یا پرونده‌سازی علیه فعالان صنفی معلمان از جمله اقدامات کانال تلگرامی این شورا بود.

حضور معلمان در اعتراضات اما تنها محدود به رصد وضعیت دانش‌آموزان معترض از سوی تشکلهای صنفی چون شورای هماهنگی نبود. گزارش‌ها^۱ نشان می‌دهد که تعدادی از معلمان و اعضای کادر آموزشی نیز در جریان این اعتراضات جان خود را از دست داده‌اند. از جمله معلمان که جان باخته‌اند می‌توان به این اسامی اشاره کرد:

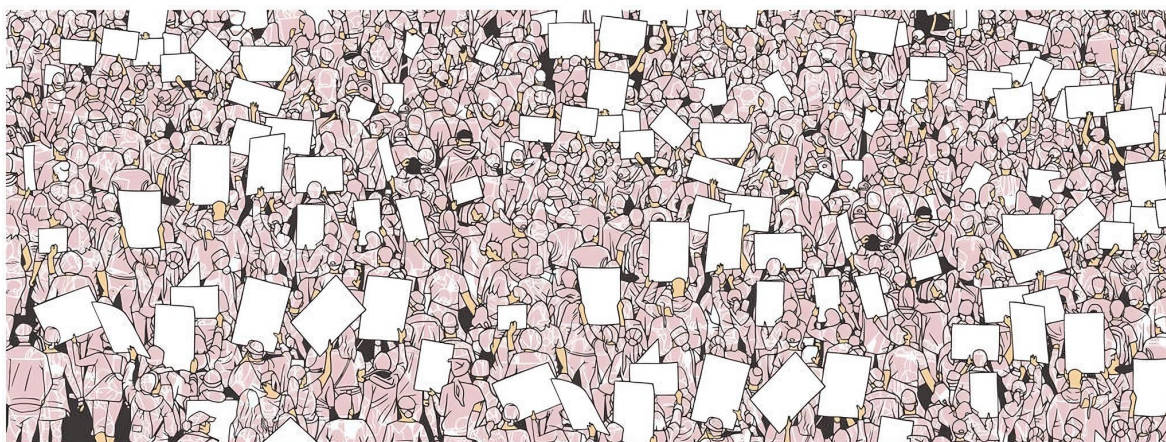
- «عبدالرحمن بختیاری» معلم بازنشسته سقزی روز ۲۶ آبان در مقابل منزلش و با شلیک مستقیم جان باخته است.
- «عرفان کاکایی» معلم دیگری است که شب ۲۹ آبان در جوانرود کردستان با شلیک مستقیم نیروهای امنیتی، جان خود را از دست داده است. «منیب فتحی» لحظه جان باختن عرفان کاکایی در جلوی درب منزل آنها بر اثر شلیک نیروهای سرکوبگر را کامل دیده و دچار شوک و تشنج شدید شده است.

۱. <https://iranwire.com/fa/features/112328-%D9%85%D8%B9%D9%84%D9%85%D8%A7%D9%86-%D8%AF%D8%B1-%D8%A7%D8%B9%D8%AA%D8-B1%D8%A7%D8%B6%D8%A7%D8%AA-%D8%B3%D8%B1%D8%A7%D8%B3%D8%B1%DB%8C-%D9%BE%D9%86%D8%AC-%D8%AC%D8%A7%D9%86-%D8%A8%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D9%87-%D9%88-%DB%B4%DB%B3%DB%B8-%D9%BE%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%D9%87-%D9%82%D8%B6%D8%A7%D-B%8C%DB%8C/>

- «علی جلیلی» مدیر دبیرستان کار و دانش برادران مظفر منطقه ۴ آموزش و پرورش شهر تهران هم، در پی از احضارهای متوالی به اطلاعات و حراست، بر اثر فشارهای روانی وارده، دچار ایست قلبی شده و جان خود را از دست داده است.
 - «رسول حدادی» معلم بازنشسته فنی حرفه‌ای ساکن زنجان که در تجمع اعتراضی مردم این شهر به مناسبت چهلیم «مهسا امینی» در روز چهارشنبه ۴ آبان، بر اثر اصابت گلوله به گردن زخمی شده بود و در بیمارستان بستری بود، ۳ آذر جان باخت.
 - «زهرا لری»، مدیر مدرسه رضوانی‌نژاد کرمان، یکی از این معلمان است. براساس گزارش شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، «جان باختن این مدیر مدرسه به دلیل فشارهای امنیتی بوده است».
- در این میان مواجهه دولت با پیوستن فعالان و کنشگران صنفی معلمان به اعتراضات سراسری ابعاد گسترده‌تری پیدا کرد. از بازداشت و پرونده‌سازی قضایی و امنیتی تا محرومیت‌های سنگین شغلی همچون حذف از رتبه‌بندی، بازنشستگی اجباری، انفصال از خدمت، جریمه‌های نقدی، اخراج و یا ممنوعیت از حضور در شبکه‌های اجتماعی!



مروری بر
شیوه مواجهه دولت با
کنش‌های معلمان



مواجهه دولت با کنش‌های معلمان

روند تاریخی فعالیت‌های جمعی معلمان بیانگر آن است که از ابتدای دهه ۸۰ و با به هم پیوستن انجمن‌ها و کانون‌های صنفی، شکلی از کنشگری سازمان‌یافته با ماهیت «جنبشی» ظهور و بروز یافت که تا پیش از آن کم سابقه بود. مدلی از سازماندهی که به دلیل دارا بودن ظرفیت‌های بالقوه برای جذب ذینفعان (شامل بدنه، کادرآموزشی، دانش‌آموزان و والدین آنها از گروه‌ها و طبقات اجتماعی مختلف) قابلیت تبدیل شدن به یک جنبش فراگیر اجتماعی را داشت. شاید برخورداری از همین ویژگی‌ها، برای آن بخش از سازوکار قدرت که تمامیت‌خواهی را در دستور کار قرار داده و در جهت انحصاری کردن همه اشکال فعالیت جمعی تلاش می‌کرد، کافی بود تا در مقابل یک جنبش سازمان‌یافته‌ی نوپا بیاستد. این رویکرد گرچه در دوره‌های مختلف با شدت و ضعف‌هایی همراه بود، اما از دستورالعمل یکپارچه و منسجمی در مواجهه با کنش‌های اعتراضی با عنوان «امنیتی‌سازی فضای مطالبه‌گری» پیروی می‌کرد. محرومیت‌ها یا محدودیت‌های شغلی، احضار و پرونده‌سازی قضایی، بازداشت جمعی از کنشگران و ایجاد محدودیت برای فعالیت آزادانه تشکلهای صنفی، از جمله اقداماتی بود که حکومت در جهت تقابل با کنشگری سازمان‌یافته معلمان از دو دهه پیش تاکنون دنبال کرده است. به طور کلی رویکرد دولت‌ها به فعالیت‌های سازمان‌یافته معلمان را می‌توان در چهار بخش صورتبندی کرد:

۱. مواجهه دولت‌های هفتم و هشتم با کنش‌های صنفی معلمان (سالهای ۱۳۷۶-۱۳۸۴): در این دوره - که به دوره اصلاحات معروف است - با وجود برخی محدودیت‌ها و حساسیت‌های ناشی از فشار گروه‌های اقتدارگرا، فضا برای فعالیت تشکلهای مدنی و صنفی از جمله تشکلهای صنفی معلمان فراهم شد و کنشگران صنفی این امکان را یافتند تا علاوه بر سازماندهی فعالیت صنفی با سیاست‌گذاران، وزرا و معاونین آنها ارتباط بگیرند و خواسته‌های خود را بیان کنند.

۲. مواجهه دولت‌های نهم و دهم با کنش‌های صنفی معلمان (سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲): در دولت‌های نهم و دهم روایت دولت از تشکلهای صنفی و کنش‌های اعتراضی معلمان سمت و سوی امنیتی به خود گرفت و فضای فعالیت صنفی و مدنی به سمت پادگانی شدن پیش رفت. در همین راستا برخوردهای شدیدی با فعالان صنفی در جهت انحلال تشکلهای یا اعمال حداکثر محدودیت‌ها صورت گرفت. از جمله حمله شدید به تجمع معلمان در ۲۳ اسفند سال ۸۵ که به بازداشت نزدیک به ۵۰۰ نفر از معلمان و محکومیت و تشکیل پرونده قضایی علیه آنان منجر شد. پس از این سرکوب‌ها، اجازه برگزاری مجمع عمومی به بسیاری از تشکلهای تا سال ۱۳۹۵ داده نشد.



۳. مواجهه دولت‌های یازدهم و دوازدهم با کنش‌های صنفی معلمان (سالهای ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰) در این دوره با تغییر دولت، اگرچه در مواضع رسمی و رسانه‌ای از فعالیت تشکل‌ها اعلام حمایت می‌شد، اما در عمل موانع زیادی برای ادامه فعالیت وجود داشت. به عنوان مثال از سال ۹۲ با شروع به کار دولت یازدهم، تلاش برای برگزاری مجمع عمومی از طرف کانون‌ها شدت بیشتری گرفت تا نهایتاً بعد از سه سال در سال ۱۳۹۵ به برخی از آن‌ها مجوز برگزاری مجمع عمومی داده شد؛ با این حال فرآیندهای اداری به حدی طولانی شد که بسیاری از آنها قادر به تایید نتایج مجمع خود نشدند. پرونده‌سازی‌های متعدد و تحمیل زندان‌های طولانی به معلمان و فعالان عضو هیئت مدیره کانون نیز در این دوره ادامه داشت.

۴. مواجهه دولت سیزدهم با کنش‌های صنفی معلمان تاکنون : از ابتدای روی کار آمدن ابراهیم رئیسی مجدداً شاهد انسداد فضای تعامل و گفتگو میان فعالان صنفی و مسئولین و سلطه نگاه امنیتی بر روند فعالیت صنفی هستیم. هم‌اکنون چندین نفر از معلمان و کنشگران صنفی در زندانند و برای برخی دیگر از فعالان ، احکام قضایی صادر شده است. این در حالیست که روند صدور احکام اداری نیز در این دوره شدت گرفته است. به نحوی که با وجود سال‌ها تلاش معلمان برای اجرای یکی از مطالبات قانونی یعنی اجرای رتبه‌بندی، نزدیک به ۲۵۰ معلم تنها به دلیل کنشگری صنفی و تلاش برای احقاق حقوق قانونی از طرح رتبه‌بندی حذف شده‌اند. اکنون افرادی در بدنه وزارتخانه و دولت سیزدهم مسئولیت دارند که کنشگران صنفی را «ضدانقلاب» تلقی می‌کنند و به این شکل سلطه رویکرد امنیتی را بر فضای فعالیت صنفی افزایش می‌دهند.

با این صورت‌بندی و با ذکر چند مورد به شیوه مواجهه حکومت با کنشگران و تشکل‌های صنفی معلمان در یک سال گذشته خواهیم پرداخت.



الف:

تلاش برای مشروعیت‌زدایی از شورای هماهنگی تشکلات صنفی فرهنگیان با طرح اتهامات امنیتی علیه فعالان صنفی:

موج تازه‌ای از پرونده‌سازی امنیتی علیه جمعی از فعالان کانون‌های صنفی معلمان که برای عدالت آموزشی و اجرای نظام رتبه‌بندی با هدف افزایش حقوق معلمان تلاش می‌کردند و همچنین برخی فعالان سندیکایی از اردیبهشت ۱۴۰۱ آغاز شد. پخش مستندی از اعترافات اجباری دو تبعه فرانسوی به نام‌های «سیسیل کوهر» و «ژاک پاری» مبنی بر زمینه‌سازی برای انقلاب و آشوب در ایران از طریق همکاری با فعالان صنفی معلمان و کارگران منجر به بازداشت و صدور احکام طویل‌المدت زندان برای تعدادی از اعضای کانون‌های صنفی معلمان همچون جعفر ابراهیمی و رسول بدایق و بازداشت و پرونده‌سازی امنیتی برای فعالانی چون محمد حبیبی، مسعود نیکخواه و اسکندر لطفی شد. دولت ایران با پخش تلویزیونی مستند اعترافات اجباری این دو تبعه فرانسوی در تابستان ۱۴۰۱ مدعی شد که آنها از ابتدای ورود به ایران تحت رصد دستگاه امنیتی و اطلاعاتی ایران قرار داشتند. این دو نفر به دلیل ارتباط با فعالان شورای هماهنگی تشکلات صنفی فرهنگیان ایران که از نظر حکومت تشکلی «غیرقانونی» است، هدف رصد اطلاعاتی قرار گرفتند و پس از بازداشت از سوی قوه قضاییه ایران به اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی کشور متهم شده‌اند. گرچه دولت فرانسه در واکنشی، پخش اعتراف اجباری دو زندانی فرانسوی در ایران را وقیحانه و نفرت‌برانگیز خواند و این دو زندانی را گروگان دولتی خواند و اعتراف آنها را به عنوان صحنه‌سازی و فریبکاری محکوم کرد، اما اقدام جدی در این زمینه صورت نداده است. تداوم بازداشت این دو تبعه در ایران احتمالاً نشان‌دهنده تمایل فرانسه به پیگیری موضوع از طریق روابط دیپلماتیک است. همین واکنش دولت فرانسه منجر به آن شده که حکومت ایران روند فشار بر فعالان صنفی را تشدید کرده و تلاش کند تا با مشروعیت‌زدایی از فعالیت صنفی شورای هماهنگی، چهره سیاسی و براندازنه آن را برجسته کند.

تشدید فشار بر فعالان صنفی همراه با جنبش «زن، زندگی، آزادی»

در طول یک سال گذشته، دهها تن از فعالان صنفی معلمان در جریان فعالیت‌های صنفی، مدنی و یا سیاسی خود محکوم شده‌اند. همراهی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان با اعتراضات مردمی پاییز ۱۴۰۱ و حمایت آنها از دانش‌آموزان معترض منجر به افزایش فشار امنیتی و بازداشت تعداد کثیری از فعالان صنفی معلمان شد. در گفتگوی «داوطلب» با فعالان صنفی مشخص شد که فشارها و برخوردهای امنیتی و قضایی با کنشگران صنفی در یک سال گذشته عمدتاً در چند سطح دنبال شده است:

- بازداشت دهها معلم معترض
- صدور احکام قضایی حبس و زندان
- اعمال فشار بر تشکلهای صنفی از طریق عدم صدور مجوز و ممانعت از فعالیت آنان
- حذف از رتبه‌بندی، بازنشستگی اجباری، انفصال از خدمت، جریمه نقدی و کسر از حقوق، اخراج قطعی از کار
- بی‌توجهی به خواسته‌ها و مطالبات معلمان^۱
- سرکوب تجمعات میدانی و اعتراضات صنفی معلمان
- اجرای نیم‌بند قانون رتبه‌بندی که با هیاهوی تبلیغاتی توانست بخشی از بدنه صنفی معلمان را نسبت به بهبود شرایط مزدی خود امیدوار کند
- انسداد راههای کمک و حمایت از خانواده معلمان زندانی
- انتساب وزیری با دیدگاههای امنیتی

وزارت آموزش و پرورش در ایران، وزارتخانه پرچالشی است. تنها در ۱۰ سال اخیر، ۵ وزیر و چهار سرپرست عهده‌دار ریاست بر این وزارتخانه شده‌اند. امری که نشان دهنده بی‌ثباتی مدیریتی در این سازمان عریض و طویل است. از ابتدای دوره ریاست ابراهیم رئیسی و شروع دولت سیزدهم در سال ۱۴۰۰ تاکنون سه نفر بر مسند وزارت آموزش و پرورش نشسته‌اند.

این در حالی است که در طول دوره ریاست رضا مرادی صحرایی بر مسند وزارت آموزش و پرورش برخی از این احکام به‌طور بی‌سابقه‌ای از هیئت تخلفات اداری آموزش و پرورش صادر می‌شود. حکم بازخریدی اجباری، بازنشستگی اجباری، انفصال از خدمت، زندان با پابند و حبس از جمله این موارد است. فعالان صنفی می‌گویند حراست‌ها و هیات تخلفات اداری وزارت آموزش و پرورش خصوصاً در یک سال گذشته به بازوی اجرایی نیروهای امنیتی تبدیل شده‌اند و با پرونده‌سازی‌های بی‌پایه تمام تلاش خود را معطوف سرکوب اعتراضات جامعه معلمان کرده‌اند.

۱. به عنوان نمونه می‌توان به نامه ۱۲۰۰ امضایی فعالان صنفی معلمان برای آزادی معلمان زندانی که در تیر ماه ۱۴۰۲ خطاب به رئیس قوه قضائیه نوشته شده بود و به دفتر این نهاد حکومتی ارسال شد، مورد پذیرش قرار نگرفت. این نامه در نهایت به کارزاری با بیش از ۳۶ هزار امضا تبدیل شد که البته باز هم مورد توجه دستگاه قضایی قرار نگرفت.



طرح‌ها و لوایح دولت برای آموزش و پرورش

علاوه بر موارد فوق در بررسی برنامه هفتم توسعه که دولت آن را تدوین کرده و اکنون در مجلس در حال بررسی است، مجدداً بحث همکاری حوزه‌های علمیه و آموزش و پرورش برجسته شده است.

از جمله بند «ب» ماده ۸۸ این برنامه که «جذب و تربیت نیروهای مورد نیاز در مشاغل آموزشی و پرورشی را منحصراً از طریق دانشگاه‌های فرهنگیان و تربیت دبیر شهید رجایی با تقویت زیرساختها و ظرفیتهای و توسعه کمی و کیفی آنها و با همکاری حوزه‌های علمیه منتخب (برای تربیت و توانمندسازی معلمان گروه معارف اسلامی، قرآن و مربی امور تربیتی) و سایر دانشگاه‌های دولت» امکان‌پذیر می‌داند. بر اساس این بند وزارت آموزش و پرورش مجاز است «نسبت به تأمین نیروی مورد نیاز خود از بین دانشجویان واجد صلاحیتهای عمومی و تخصصی سایر دانشگاه‌های دولتی یا حوزه‌های علمیه منتخب با طی دوره مهارت‌آموزی و یا دانشجویان معلمي در دانشگاه‌های فرهنگیان و تربیت دبیر شهید رجایی، همزمان با تحصیل در دانشگاه دولتی یا حوزه علمیه منتخب و یا از طریق اعطای مدرک تحصیلی مشترک اقدام نماید»

در عین حال بند «ج» ماده ۸۹ برنامه هفتم توسعه تأکید می‌کند که «به منظور غنی سازی برنامه های قرآنی، فرهنگی، هنری و ورزشی در مدارس و تأمین سلامت روحی و جسمی دانش آموزان و پیشگیری و یا مقابله به هنگام و مؤثر با آسیب‌ها و مخاطرات اجتماعی دانش آموزان از انواع روشهای تربیتی و با استفاده از ظرفیت دستگاههای اجرایی از جمله مساجد و مکان‌های زیارتی» استفاده شود. موادی که در صورت تصویب، کنترل هر چه بیشتر فضاهای آموزشی و تداوم روند اسلامیزه کردن محیط آموزشی را دنبال می‌کنند.

مهمترین مطالبات معلمان

در سالهای گذشته گروههای مختلفی از معلمان از قبیل معلمان استخدامی، معلمان بازنشسته، معلمان حق التدریس، مربیان پیش دبستانی، معلمان ضمن خدمت و آموزشیاران نهضت سوادآموزی به سیاستها و روندهای موجود در حوزه آموزش و همچنین بی توجهی سیاستگذاران به مطالبات صنفی خود اعتراض کردند. «افزایش بودجه آموزش و پرورش»، «اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری»^۱، «تسریع اجرای کامل رتبه بندی»، «کیفیت بخشی به آموزش» و «تاکید بر آموزش رایگان مطابق اصل ۳۰ قانون اساسی» از جمله مهمترین مطالبات معلمان است که بسیاری از آنها همچنان نیز برآورده نشده است. همچنین در یک سال گذشته (شهریور ۱۴۰۱ - شهریور ۱۴۰۲) سه مطالبه دیگر نیز به مجموع مطالبات معلمان و فعالان صنفی اضافه شده است. این مطالبات عبارتند از:

- توقف پرونده سازی علیه فعالان صنفی
- آزادی معلمان زندانی
- بهبود معیشت بازنشستگان فرهنگی و شاغلان

در عین حال شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، مجموعه اقداماتی را انجام داده که تا حدودی از شرایط سیاسی و اجتماعی ایران در طول یک سال گذشته تاثیر پذیرفته است.

اقدامات شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در یک سال گذشته: (بیانیه ها، کارزارها و ...)

- راه اندازی کمپین یکصد هزار امضا برای آزادی معلمان زندانی و علیه پرونده سازی برای فعالان صنفی^۲
- امضای قطعنامه تشکلهای صنفی و مدنی مستقل ایران به مناسبت روز معلم و اول ماه مه روز جهانی کارگر

۱. در صورت اجرای این قانون برای همه نهادهای زیرمجموعه دولت مانند آموزش و پرورش، معلمان شاغل و بازنشسته نیز از مزایای حقوقی و مزدی آن بهره مند خواهند شد.

۲. کمپین یکصد هزار امضا، عنوان کارزاری مجازی است که در تیر ماه ۱۴۰۲ از سوی فعالان صنفی آغاز شده و کماکان نیز ادامه دارد. در نتیجه بی توجهی دولت و مقامات قضایی به نامه ۱۲۰۰ امضایی فعالان صنفی معلمان شکل گرفته و از معلمان شاغل و بازنشسته کشور که جمعیت آنها بیش از یک میلیون و هشتصد هزار نفر است خواسته تا با جمع آوری صد هزار امضا، حمایت خود را از مطالبات مطرح شده اعلام کنند و نشان دهند که آزادی معلمان زندانی و متوقف کردن پرونده سازی علیه فعالیت صنفی معلمان بر خلاف ادعای مسئولین قوه قضائیه، تنها مطالبه یک درصد معلمان نیست و برعکس یک مطالبه جمعی است. بیش از ۳۶ هزار نفر تا شهریور ماه ۱۴۰۲ به این کمپین پیوسته اند.

- بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در ارتباط با لزوم تشکیل کمیته‌های مردمی برای حفاظت از دانش آموزان مدارس در برابر حملات شیمیایی و زنجیره‌ی انسانی در اطراف مدارس
- بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران پیرامون بزرگداشت مقام معلم و فراخوان تجمع ۱۹ اردیبهشت
- بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، در خصوص سالگرد سرکوب معلمان و دستگیری دو معلم فرانسوی
- بیانیه‌ی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در اعتراض به ادامه‌ی حبس غیر قانونی اسماعیل عبدی
- بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در محکومیت حبس اصغر امیرزادگان
- بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در خصوص برگزاری دادگاه‌های همکاران فارس و خوزستان
- بیانیه شورای هماهنگی در خصوص بازداشت فعالین حقوق زنان در گیلان
- بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در مورد لایحه حجاب
- بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان درباره وضعیت جسمی جعفر ابراهیمی
- بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در محکومیت احکام دادگاه تجدیدنظر فعالین صنفی استان فارس
- بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در اعتراض به قتل حکومتی آرمیتا گراوند
- بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در حمایت از مطالبات بازنشستگان
- بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران نسبت به عوارض حضور روحانیون در مدارس و تداوم سیاست آموزش ایدئولوژیک
- بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران «نه به اعدام»
- بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران به مناسبت روز جهانی زبان مادری



- بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در خصوص انتخابات مجلس ایران
- بیانیه شورای هماهنگی به مناسبت ۸ مارس

بررسی‌های «داوطلب» از میزان استقبال بدنه صنفی معلمان از مجموع کمپین‌ها، بیانیه‌ها و کارزارهای برگزار شده توسط شورای هماهنگی نشان می‌دهد که محدودیت‌های امنیتی و محرومیت‌های شغلی ایجاد شده برای فعالان و تشکلهای صنفی در طول یک سال گذشته، میزان همراهی بدنه و مشارکت فعالانه معلمان در کنش‌های صنفی را کاهش داده است. نمونه آن را می‌توان در مشارکت حدود ۳ درصدی معلمان در کارزار جمع‌آوری امضا برای آزادی فعالان صنفی زندانی مشاهده کرد. همچنین فراخوان برگزاری تجمع اردیبهشت ۱۴۰۲ این شورا نیز در پی مشارکت اندک معلمان با برخورد و سرکوب شدید نیروهای امنیتی و انتظامی مواجه شد و در تهران نیز اجازه شکل‌گیری تجمع در مقابل مجلس داده نشد.

جنبش صنفِ معلمان

ونظام آموزشے ایران



معلمان و نظام آموزشی ایران

برای درک بهتر فضای فعالیت صنفی معلمان در ایران و آشنایی بیشتر با مطالبات و خواسته‌هایی که منجر به شکل‌گیری جنبش صنفی معلمان در ایران شده، بهتر است نگاهی به وضعیت آموزش و پرورش و ساختار نظام آموزشی در ایران بیاندازیم.

نظام آموزشی ایران در طول ۴ دهه گذشته دستخوش دگرگونی‌های زیادی شده است. این دگرگونی‌ها عرصه‌های مختلف مربوط به آموزش دوره‌های مختلف تحصیلی از کودکستان تا دانشگاه را در برمی‌گیرند. در میان این تحولات آنچه بیش از همه جلب توجه کرده است، تلاش گسترده مسئولان آموزش ایران برای عملی کردن آن چیزی است که خود «اسلامی» کردن مدارس و دانشگاه‌ها می‌نامند. حاصل این تلاش‌ها در جهت اسلامی کردن آمیختن برنامه‌های آموزشی و محتوای دروس با ارزش‌ها و گرایش‌های آشکار مذهبی و سیاسی است. از سوی دیگر روندهای رشد کمی آموزش و پرورش در دهه‌های گذشته، در برخی مقاطع از جمله در آموزش عالی با شتاب بیشتری دنبال شده است. این رشد کمی پرشتاب دانش‌آموزان و دانشجویان در عین حال که گسترش پوشش آموزشی گروه‌های مختلف سنی را در پی داشته، بر وضعیت نابرابری‌های موجود در برخورداری از امکانات آموزشی هم تاثیرگذار بوده است. با این خلاصه، در مجموع می‌توان چند ویژگی اصلی نظام آموزشی ایران را در موارد ذیل صورتبندی کرد:

متمرکز بودن نظام آموزشی:

ویژگی نخست به تمرکز شدید نظام آموزشی برمی‌گردد که توسط وزارتخانه عریض و طویلی بنام آموزش و پرورش اداره می‌شود. تمرکزگرایی اداری و سیاسی شدید در نهادهایی مانند آموزش و پرورش تحت تاثیر برخی کشورهای اروپایی همچون فرانسه پا گرفته است. در این سنت دیرپا مدرسه پیش از آنکه یک پروژه «تربیتی-آموزشی» باشد، بک برنامه سیاسی است که در خدمت تبیین هدف‌هایی مانند تامین وحدت ملی و تقویت هویت ملی قرار دارد.

نقش تعیین کننده دولت در آموزش و پرورش:

ویژگی بعدی نظام آموزشی در ایران به نقش تعیین کننده و حضور همه جانبه دولت در تامین امکانات مالی، تعیین برنامه درسی، تهیه و توزیع کتابهای درسی و آموزش و استخدام معلمان برمی‌گردد. تقریباً از سالهای پس از انقلاب مشروطه در ایران، دولت بر نقش تعیین کننده خود در نظام

آموزشی تاکید کرده و آموزش را در چارچوب مقوله‌ای دولتی-سیاسی دنبال کرده است. در نتیجه هرگونه دگرگونی و تحولی در نظام آموزشی ایران از «بالا» نشأت می‌گیرد. نقش مرکزی دولت در بخش آموزش همزمان به معنای حضور کمرنگ سایر بازیگران مهم در واحدهای آموزشی یعنی معلمان، دانش‌آموزان، خانواده‌ها و بخش خصوصی مستقل است.

نظام آموزش غیرمشارکتی:

در این نوع نظام آموزشی، عموماً از تشکلهای و نهادهای صنفی برای ارتقاء سطح کمی و کیفی نظام آموزشی استفاده نمی‌شود و یا محدودیت‌هایی برای فعالیت آنها ایجاد می‌شود. تفکر انتقادی و سنجش‌گرا در ایران جایگاه خود را از دست داده و همه چیز به صورت «حق و باطل» و سفید و سیاه درآمده است. هدف آن است که نسلی مقلد و دنباله‌رو تربیت شود که به خود اجازه اندیشیدن انتقادی و خارج از قطب‌بندی سفید و سیاه را ندهد. دلیل این امر آن است که ساختن و پرداختن «حقیقت تاریخی» در کتاب‌های درسی و سیستم آموزشی در انحصار حکومت و همراه با روایت‌های یکسویه است و جامعه مدنی ایران نقشی در این زمینه ندارد.

گزینشی بودن نظام آموزشی:

بعد از انقلاب ۵۷ به تبع تغییر ساختارهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، تغییراتی نیز در اساسنامه و برنامه‌های مراکز تربیت‌معلم به وجود آمد که بر این اساس آن، معلمان بر اساس شاخص‌هایی چون اعتقاد به دین اسلام و یا یکی از ادیان رسمی مطرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، التزام عملی به احکام اسلامی، اعتقاد و التزام به ولایت فقیه، نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی؛ عدم اشتغال به فساد اخلاقی، عدم سابقه وابستگی تشکیلاتی، هواداری از احزاب و... مورد گزینش قرار می‌گیرند. در همین رابطه «قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش^۱» در مجلس تصویب شد.

جالب اینکه در این نوع گزینش که در سایر دستگاههای دولتی نیز به شیوه مشابه در جریان است، صلاحیت علمی و تخصصی فرد به عنوان معلم مورد سنجش و مبنای گزینش قرار نمی‌گیرد. در این رویکرد، گفتمان غالب در بافت سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اداری، گفتمان ارجحیت «تعهد» بر «تخصص» است و هدف انقلابیون در سالهای اولیه پس انقلاب، اعزام نیروهای متعهد و مومن به آرمانهای انقلاب به مدارس و از دیگر سو، «پاکسازی» مدارس از وجود نیروهای عمدتاً متمایل به جریان‌های چپ، وابسته و از دید آنان نامطمئن بود. این روند با گذشت بیش از ۴ دهه از انقلاب همچنان ادامه دارد.

1. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/92541>

نقض فردیت در نظام آموزشی ایران:

سه نهاد سیاست، دین و خانواده از طریق حضور دائمی در کتاب‌های درسی بر رفتار، حدود آزادی عمل و اندیشه فرد نظارت کامل دارند. شهروند کتاب‌های درسی بیش از آنکه با فردیت و یا خودمختاری فرد سروکار داشته باشد، جزیی از یک جمع بزرگتر است که جامعه مذهبی، خانواده، روستا، ملت و شهر را دربر می‌گیرد. در کتاب‌های درسی همه جا بر ضرورت وحدت و جمع و منافع گروه تاکید می‌شود و این وابستگی و همبستگی ارزش مسلط را تشکیل می‌دهد. از این دیدگاه، فردیتی که به تفرقه، جدایی، چند دستگی و کثرت بیانجامد، ضدارزش و ناهنجار است. در یک نگاه کلی می‌توان گفت که الگوی فرد موردنظر کتاب‌های درسی بازتاب فرهنگ و ذهنیت جامعه توده‌وار و عاطفی و هیجانی است که در آن نه خبری از کثرت‌گرایی فکری و عملی است و نه فردیت شهروند به رسمیت شناخته می‌شود. به همین دلیل مدام در کتاب‌های درسی بر ضرورت و نقش رهبری در یک جامعه و اهمیت «اطاعت» و احترام به رهبری برای رسیدن به هدف تاکید می‌شود.

تاکید بر هویت ملی-هویت اسلامی در کتاب‌های درسی:

از ابتدای انقلاب ۵۷ و همزمان با تحولات ایدئولوژیک در نظام آموزشی ایران، کتاب‌های درسی دوره‌های مختلف تحصیلی سه نوع هویت را برای دانش‌آموز ایرانی ترسیم می‌کنند:

- هویت‌های بومی (مانند کردی، آذربایجانی، بلوچی) به صورت کمرنگ در مطالب و تصاویر کتاب‌های درسی طرح می‌شوند. در برخی تصاویر لباس‌های اقوام و هویت‌های بومی مختلف نشان داده شده اما عموماً از حد این اشاره فراتر نمی‌رود و درباره خصوصیات و تفاوت‌های فرهنگی-قومی سخنی گفته نمی‌شود و حتی با وجود تاکید قانون اساسی بر آموزش و یادگیری به زبان مادری، از تدریس زبان مادری در مدارس جلوگیری و با برخی از معلمان^۱ که در این زمینه فعالیت‌هایی داشته‌اند، برخورد شده است.

- هویت ایرانی به عنوان یک واقعیت و داده تاریخی پذیرفته شده است. ولی همزمان کوشش می‌شود تعلق سرزمینی به نام ایران با هویت مذهبی در کنار یکدیگر طرح شود. به عبارت دیگر، هویت مستقل ایرانی جدا از هویت اسلامی یا وجود ندارد و یا به گونه‌ای منفی تشریح می‌شود. این رویکرد عمدتاً با هدف جلوگیری از رشد احساسات ناسیونالیستی دنبال شده است.

- هویت مذهبی و بویژه تاکید بر هویت مذهبی شیعی بر فضای کتاب‌های درسی غالب است. از نظر کتاب‌های درسی «همه مسلمانان که در کشورهای مختلف جهان زندگی می‌کنند، اعضای خانواده بسیار بزرگی هستند. این خانواده بسیار بزرگ «امت اسلامی» نام دارد و باید وحدت آن حفظ شود. این شکل از هویت بخشی عمدتاً با هویت ملی ترکیب می‌شود و تلاش می‌کند تا به این ترتیب بر باور جمعی از وقایع و رویدادهای تاریخی تاثیر بیشتری بگذارد. گزارش بررسی کتب درسی نشان می‌دهد که در عمل ۱/۴ وقت آموزشی در ایران صرف مباحث مذهبی می‌شود. این مباحث مذهبی هم فقط در محدوده کلاس و کتاب‌های تعلیمات دینی نیست بلکه حضوری پررنگ در کتاب‌های ادبیات، تاریخ و زبان عربی دارد.

۱. در ماه ژوئن ۲۰۲۰، زهرا محمدی، فعال فرهنگی و مدرس زبان کردی از سوی دستگاه قضایی جمهوری اسلامی در سنجندج به ۱۰ سال حبس محکوم شد.

رهیافت ایدئولوژیک و فقدان نسبی گرایی در نظام آموزشی:

رهیافت ایدئولوژیک در کتب درسی سهم بیش از ۲۵ درصدی در نظام آموزشی ایران دارد و بر اساس گزارش‌ها ایران را پس از عربستان و یمن که در زمینه گرایش به گنجانیدن محتوای دینی در کتب درسی در مقام اول و دوم قرار دارند، در مقام سوم قرار می‌دهد. نسبی‌گرایی که یکی از پایه‌های آموزش مدرن است جایی در نظام آموزشی ایران ندارد. نتیجه این امر آن می‌شود که نوجوانان و جوانان ایران همواره در نوعی دوگانگی بسر می‌برند. در مدرسه به آنها گفته می‌شود که دین علم است و علم باید دینی باشد. آنها در تجربه و خارج از مدرسه در می‌یابند که علم با رویکرد دینی تناقض دارد ولی آنها مجبورند همواره با این تناقض و تضاد زندگی کنند. غلبه ایدئولوژی اسلامی و کنترل از بیرون، آموزش و تربیت را از سرشت واقعی خود تهی کرده و توان خودتنظیمی را از آن گرفته است.

تفکیک جنسیتی در نظام آموزشی و تثبیت کلیشه‌های جنسی در کتب

درسی:

پس از انقلاب، رویکرد مذهبی و اسلامی به آموزش منجر به آن شد تا روند تفکیک جنسیتی مدارس در دستور کار سیاستگذاران قرار گیرد. این مسئله گرچه رویکردی زن ستیزانه و ضدمدنی بود اما باعث شد تا آن گروه از خانواده‌های سنتی که پیش از انقلاب اجازه حضور دختران در مدارس مختلط را نمی‌دادند و به این ترتیب آنها را از تحصیل منع می‌کردند، بهانه‌ای برای نفرستادن دختران به مدرسه نداشته باشند. با وجود این تغییر مثبت اما حکومت تلاش کرد با سلطه ایدئولوژیک خود به تثبیت کلیشه‌های جنسیتی در کتب درسی دامن بزند. به همین جهت در صدد برآمد تا تصویری سنتی از نقش‌های زنان و مردان را در کتاب‌های درسی بازتولید کند.

در کتب درسی ایران تفاوت میان زن و مرد یکی از نکات اساسی است. در یک نگاه کلی جایگاه و تصویر زن در مطالب درسی از سه داده کلیدی تاثیر پذیرفته است. نخست آنکه خانواده و نه فرد، واحد اجتماعی اصلی در جامعه به شمار می‌رود. بنابراین نقش و جایگاه زن در فضای خانواده تعریف می‌شود. دوم، زن و مرد دو فرد اجتماعی برابر به شمار نمی‌آیند بلکه بیشتر به صورت مکمل یکدیگر مطرح می‌شوند. سرانجام این که زن به عنوان یک فرد اجتماعی مستقل به رسمیت شناخته نمی‌شود. این سه داده کلیدی بر بستر فرهنگ مردسالانه‌ای تقویت می‌شود که در آن مرد در یک نظام پدرسالانه در حوزه‌های اصلی زندگی اجتماعی، از سیاست تا عمل و فناوری همه جا حضوری مسلط و چیره دارد. به این ترتیب در کتابهای درسی زنان پیش از آنکه دارای یک هویت اجتماعی منحصر به فرد باشند، خواهر، مادر، همسر و دختر این یا آن مرد به شمار می‌روند.

عدم تناسب رشد کمی و کیفی آموزش در ایران:

در کنار روندهای اسلامی کردن نظام آموزش، رشد کمی دانش‌آموزان و دانشجویان با شتاب فراوان ادامه یافته و به توسعه بی‌سابقه آموزش متوسطه و عالی بویژه در دهه ۷۰ و ۸۰ شمسی انجامید. رشد بالای جمعیت کودکان در دهه ۶۰، افزایش تقاضای اجتماعی برای آموزش و گسترش فضاهای آموزشی از جمله دلایل رشد کمی آموزش در ایران بود که تعداد دانش‌آموزان را از ۸ میلیون نفر در سال ۱۳۵۷ به بیش از ۱۸.۵ میلیون نفر در سال ۱۳۷۷ رساند.

با وجود این، همزمان با گسترش تحریم‌های علیه جمهوری اسلامی و افزایش بحران‌های اقتصادی خانواده‌ها بویژه در دهه ۹۰ شمسی و رشد صعودی روند کالایی سازی آموزش در سالهای پس از آن و همچنین برخی کمبودها از جمله کمبود دسترسی به فناوری‌های آموزشی و مدارس هوشمند، تعداد بازماندگان از تحصیل و افرادی که به امکانات اولیه آموزشی دسترسی ندارند، بیشتر شده است.

مرکز آمار ایران در تازه‌ترین گزارش^۱ خود از شاخص‌های اجتماعی به وضعیت تحصیلی افراد از جمله نرخ باسوادی، ترک تحصیل و بازماندگی از تحصیل پرداخته است. بررسی داده‌های این مرکز نشان می‌دهد که سال تحصیلی گذشته (۱۴۰۱-۱۴۰۲) در مقاطع تحصیلی مختلف ۹۲۹ هزار و ۷۹۸ نفر از تحصیل بازماندند.

بررسی جزئیات آمارهای بازماندگی از تحصیل نشان می‌دهد که بیشترین آمار بازماندگان از تحصیل مربوط به مقطع متوسطه دوم است. پیش از این مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی با بررسی وضعیت آموزش عمومی در ایران نوشت، نرخ جذب بسیار ناچیز کودکان بازمانده از تحصیل در کنار تعداد بالای ترک تحصیل سالانه (از ۲۷۰ هزار تا ۳۴۷ هزار نفر) موجب شده است تا روند بازماندگی از تحصیل در نظام آموزش و پرورش رو به رشد باشد. در این گزارش آمده است که سال ۱۳۹۹ حدود ۷۰ درصد کودکان بازمانده از تحصیل در دهک یک تا پنج قرار داشتند.

گزارشی که مرکز پژوهش‌های مجلس در اسفند ماه ۱۴۰۱ منتشر کرده نشان می‌دهد روند ترک تحصیل کودکان ایرانی در سالهای اخیر و بویژه پس از پاندمی کووید ۱۹، شدت گرفتن بحران‌های اقتصادی و استفاده از کودک به عنوان نیروی کار و کمک هزینه معاش خانواده، فقر فرهنگی،

1. <https://tejaratnews.com/%D8%A8%D8%AE%D8%B4-%D8%AC%D8%A7%D9%85%D8%B9%D9%87-46/900623-%D8%A2%D9%85%D8%A7%D8%B1-%D8%A8%D8%A7%D8%B2%D9%85%D8%A7%D9%-86%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D9%86-%D8%A7%D8%B2-%D8%AA%D8%AD%D8%B5%DB%8C%D9%84>

ازدواج زود هنگام کودکان در برخی مناطق در حال افزایش است. بازماندگی از تحصیل در حالی با شیب صعودی در حال افزایش است که دست کم در بیش از ۱۰ سند ملی^۱ بر پوشش تحصیلی بی‌قید و شرط و رایگان کودکان ایرانی تاکید شده است.

پولی و کالایی شدن آموزش:

با وجود تاکید قانون اساسی بر رایگان بودن حق آموزش و تامین این حق برای آحاد جامعه توسط دولت تا پایان دوره متوسطه، اما از میانه دهه ۷۰ شمسی نظام آموزشی در ایران با شیب تندی به سمت خصوصی و پولی شدن و افزایش بی‌عدالتی آموزشی حرکت کرد. «سال‌هاست که اجرای برنامه‌هایی مانند برون‌سپاری مدارس، اداره مدارس به سبک خودگردان، ارائه تسهیلات مختلف به مدارس غیرانتفاعی و... همگی از جمله برنامه‌های اولویت‌دار آموزش و پرورش بوده‌اند و مجموعه این سیاست‌ها موجب شده مدارس تحت عناوین «باکیفیت» و «بی‌کیفیت» طبقه‌بندی شوند. آمار چند سال اخیر برگزیدگان کنکور نشان می‌دهد؛ بیش از ۹۵ درصد رتبه‌های برتر در مدارس استعدادهای درخشان و مدارس خاص غیرانتفاعی تحصیل کرده‌اند. این مراکز آموزشی به نام‌های مختلف و به اشکال و تنوع گوناگون در سراسر کشور وجود دارند و طبیعتاً کیفیت آموزش بین مدارس دولتی عادی و مدارس پولی به شدت متفاوت است».^۲ نتایج یک گزارش در اواخر دهه ۹۰ شمسی نشان می‌دهد که «نسبت دانش‌آموزان مدارس غیردولتی به کل دانش‌آموزان ایران در عرض ۲۵ سال بیش از ۱۰۰ برابر شده است؛ در شرایطی که در سال ۱۳۷۰ از هر ۱۰۰۰ دانش‌آموز تقریباً ۱ نفر در مدارس غیردولتی تحصیل می‌کرد، در سال ۱۳۹۴ این رقم به ۱۰۴ دانش‌آموز و سال گذشته به ۱۱۵ دانش‌آموز رسیده است. آماری که بیانگر گرایش شدید آموزش و پرورش دولت‌های مختلف به واگذاری وظایف خود به بخش

۱. تاکید بر حق برخورداری همه ملت تا پایان دوره متوسطه از آموزش رایگان در اصل ۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی، قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش و زیر پوشش قرارداد کلیه کودکان لازم‌التعلیم و تقویت نهضت سوادآموزی، طرح اجرایی سوادآموزی شورای عالی انقلاب فرهنگی، قانون برنامه توسعه اول، دوم، چهارم، قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش در استانهای کشور، سند نقشه جامع علمی کشور، سند تحول بنیادین و تعمیم دوره پیشدبستانی به‌ویژه در مناطق محروم و نیازمند حتی‌الامکان با مشارکت بخش غیردولتی با تأکید بر آموزه‌های قرآنی و تربیت‌بدنی و اجتماعی، برنامه ریشه کنی بیسوادی

۲. <https://www.isna.ir/news/۱۴۰۲>

021710735/%DA%A9%D8%A7%D9%84%D8%A7%DB%8C%DB%8C-%D8%B4%D8%AF%D9%86-%D8%A2%D9%85%D9%88%D8%B2%D8%B4-%D8%A8%D8%A7-%D8%A7%D8%B3%D9%85-%D8%B1%D9%85%D8%B2-%D9%85%D8%B1%D8%AF%D9%85%DB%8C-%D8%B3%D8%A7%D8%B2%DB%8C

خصوصی است...^۱ همچنین بر اساس گزارش^۲ اخیر بانک جهانی «در فاصله سال‌های ۹۸ تا ۲۰۱۷ بالاترین نرخ خصوصی‌سازی مقطع متوسطه مربوط به ایران بوده درحالی‌که کشورهای مانند آمریکا و انگلستان تعدادشان به لحاظ نسبت در حال کاهش بوده و از ۱۲ درصد به ۶ درصد در این کشور رسیده است.»

نابرابری و فقر کیفیت آموزشی:

مشکل اساسی دیگر آموزش ایران پائین بودن کیفیت آموزشی است. «برخی از پژوهشگران دانشگاهی مهم‌ترین شاخص شکاف طبقاتی در ایران را بخش آموزش می‌دانند؛ مطابق با پژوهش انجام شده در وزارت رفاه، دسترسی سه دهک بالای جامعه به آموزش با کیفیت ۵۸ درصد بوده و این سهم برای سه دهک پایین تنها ۵/۴ درصد است.»^۳ این فقر کیفیتی هم بدلیل کمبودها و مشکلات مربوط به امکانات مدارس و امکان دسترسی آحاد دانش‌آموزان به این امکانات است و هم به روش‌های سنتی آموزشی و توانایی‌ها و مهارت‌های معلمان برای به کارگیری روش‌های جدید و متحول کردن آموزش و یادگیری باز می‌گردد.

سطح پایین کیفیت آموزش موجب شده تا در طول سال‌هایی که ایران در آزمون بین‌المللی «پرلز» شرکت کرده است، همیشه از حد متوسط پایین‌تر ظاهر شود. نتایج آزمون پرلز ۲۰۲۱ که مهارت خواندن و درک مطلب دانش‌آموزان پایه چهارم ۵۷ کشور ۸ ایالت از کشورهای گوناگون را ارزیابی می‌کند نشان می‌دهد که در بین ۵۷ کشور شرکت‌کننده، دانش‌آموزان ایرانی با نمره ۴۱۳ در رتبه ۵۳ قرار گرفته‌اند و تنها اردن، مصر، مراکش و آفریقای جنوبی پس از ایران قرار دارند.

کمبود نیروی انسانی در آموزش و پرورش:

کمبود نیروی انسانی معلم از جدی‌ترین مشکلات نظام آموزش و پرورش است، دلایلی همچون بازنشستگی حجم گسترده‌ای از معلمان و عدم توازن و توزیع مناسب در استخدامی‌ها و همچنین اجرای نظام آموزشی ۳-۳-۶ از علل اصلی شرایط پیش آمده معرفی شده است. علاوه بر این آموزش و پرورش برای مقابله با کمبود نیرو، راهکارهایی را طی سالیان مختلف در پیش گرفته که عمده این راهکارها با هدف افزایش نیروهای ورودی معطوف بوده است اما این راهکارها درنهایت به دلیل محدودیت‌های استخدامی و همچنین مشکلات و چالش‌های زیرساختی مراکز تربیت معلم

1. <https://meidaan.com/archive/58495>

2. <https://www.isna.ir/news/۱۴۰۲>

021710735/%DA%A9%D8%A7%D9%84%D8%A7%DB%8C%DB%8C-%D8%B4%D8%AF%D9%86-%D8%A2%D9%85%D9%88%D8%B2%D8%B4-%D8%A8%D8%A7-%D8%A7%D8%B3%D9%85-%D8%B1%D9%85%D8%B2-%D9%85%D8%B1%D8%AF%D9%85%DB%8C-%D8%B3%D8%A7%D8%B2%DB%8C

3. <https://meidaan.com/archive/58495>

نتوانسته به نقطه مطلوب خود برسد. درحالیکه با تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق التدریسی و آموزش یاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش و همچنین تعدیل محدودیت های ناشی از گزینش نیروی انسانی می تواند بر این مشکل غلبه کند اما کژکارکردی این وزارتخانه به عدم توازن در نیروی انسانی آموزش و پرورش و کمبود نیرو در عین مازاد نیرو در برخی مناطق منجر شده است.

بنابر گزارش مرکز پژوهش های مجلس^۱، کمبود نیرو در آموزش و پرورش بدانجا رسیده که شاخص نسبت دانش آموز به معلمان که بنا به استانداردهای تعریف شده برای نمونه در مقطع ابتدایی ۱۹.۲ است در برخی از مناطق همچون شهرستان های تهران تا ۵۷.۴۳ برسد!

در حال حاضر و براساس آخرین گزارش ها این وزارتخانه به حدود ۳۰۰ هزار معلم برای جبران کمبود نیروی خود نیاز دارد. آمارنگران کننده کمبود معلمان در حالی خبرساز شده که این وزارتخانه در حال حاضر عمده تلاش خود را برای اجرای طرح «امین» به کار می برد تا روحانیون یکی پس از دیگری جذب مدارس شوند. طرحی که از سال ۸۸ در چارچوب مدارس دولتی آموزش و پرورش و با هدف اعزام مبلغان مذهبی به مدارس در قالب طرح «امین» آغاز شده و کماکان نیز ادامه دارد. هدف این طرح، تربیت دانش آموزانی است که باورها و رفتارهای اساسی دینی در وجود آنها نهادینه شود. در آذر ماه ۱۴۰۱ دبیر ستاد همکاری های حوزه علمیه و آموزش و پرورش از جذب و ورود ۳۰۰۰ طلبه^۲ به مدارس کشور خبر داد.

کسری مداوم و مزمن اعتبارات آموزش و پرورش:

آموزش و پرورش بزرگترین دستگاه اجرایی کشور است که در حال حاضر ۹۷۱ هزار پرسنل شاغل و ۳۸ هزار بازنشسته مشغول به خدمت و ۱۶ میلیون و ۲۰۰ هزار دانش آموز را در اختیار دارد. سهم آموزش و پرورش از بودجه عمومی کشور در سال ۱۴۰۲، پانزده درصد بودجه دستگاه های دولتی است. با این حال مهمترین معضل در این وزارتخانه در طول سه دهه گذشته، کسری بودجه بوده است که متاثر از محقق نشدن درآمدهای پیشبینی شده در قانون بودجه و کسری کلی بودجه دولت است. بر اساس گزارش ها کسری بودجه آموزش و پرورش هرساله بین ۲۷ تا ۳۰ درصد برآورد می شود. از جمله تبعات کسری بودجه^۳ در بخش پرسنلی آموزش و پرورش می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- کاهش قدرت خرید فرهنگیان
- کاهش رضایت شغلی
- کاهش انگیزه معلمان
- اجرای تبعیض آمیز قوانین در میان کارکنان دولت (ارتقای شغلی و ...)

1. <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1749112>

2. <https://www.salameno.com/news/55401552/%D8%AC%D8%B0%D8%A8-%D9%88->

3. <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/948139>

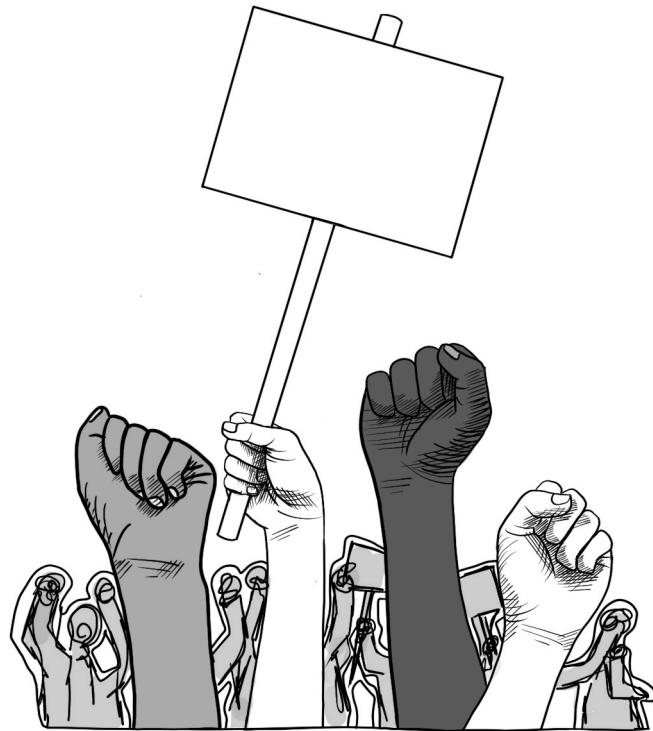


- تنزل توانایی و مهارت حرفه‌ای معلمان
- افزایش مطالبات فرهنگیان و کاهش ارزش پولی آن به جهت انباشت این مطالبات در سنوات متمادی
- کاهش جاذبه شغل معلمي
- کاهش مشارکت معلمان در امور آموزشی، اداری، مدرسه‌ای، منطقه‌ای
- عدم توجه به رفاه فرهنگیان و معلمان

کمبود منابع مالی دولت و رشد مدارس خصوصی

کمبود منابع مالی دولت را به سوی یافتن راه‌حلی برای جلب مشارکت مالی خانواده‌ها در فرایندهای آموزشی سوق داده است. بخش خصوصی آموزش که در پی انقلاب و نیز بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی از میان برداشته شده بود بار دیگر از اوایل دهه ۷۰ در قالب مدارس غیرانتفاعی فعالیتش را آغاز کرد. این گونه مدارس با شهریه دانش‌آموزان اداره می‌شوند و معمولاً دارای امکانات بسیار فراتر از مدارس دولتی هستند. هزینه یک دانش‌آموز در مدرسه غیرانتفاعی چندین برابر بالاتر از حقوق سالانه یک کارگر یا کارمند دولت است. بر اساس اعلام وزارت آموزش و پرورش در حال حاضر، دو میلیون و ۱۰۰ هزار نفر معادل ۱۳ درصد دانش‌آموزان کشور در مدارس غیردولتی تحصیل می‌کنند. مدارس دولتی نیز برای غلبه بر مشکلات مالی خود دست به دامن خانواده‌ها می‌شوند و از آنها به بهانه‌های مختلف تقاضای کمک مالی می‌کنند. در مدارس حتی گاهی دادن کارنامه و یا نمره‌های درسی و حتی شرکت در امتحانات منوط به پرداخت مبالغی است که از سوی مدرسه تعیین می‌شود. خانواده‌ها و بویژه خانواده‌های پرجمعیت از بحران مالی آموزش و پرورش و گرانی وسایل تحصیلی آسیب فراوانی دیده‌اند و قادر به تامین هزینه‌های تحصیلی نیستند.

بررسے نقاط
ضعف و قوت
شورای هماہنگے
تشکل های صنفی فرهنگیان



بررسی نقاط ضعف و قوت یکی از حاملان اصلی جنبش صنفی معلمان

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان^۱

در طول سالهایی که از عمر شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان می‌گذرد، فعالیت مستمر صنفی، تلاش برای پیگیری مطالبات از راههای مختلف و ایجاد هماهنگی و انسجام بدنه به مأموریت اصلی این شورا تبدیل شده است. با این حال همچنان نقدهای زیادی به عملکرد این شورا و کانون‌ها و تشکلهای عضو آن وارد است. برخی از این نقدها ناظر بر عملکردها و برخی دیگر از آنها ناظر بر ساختار قدرت، شیوه تصمیم‌گیری و استراتژی‌های تعیین شده از سوی شورا برای ادامه مسیر کنشگری است.

بر این اساس، **مهمترین نقاط ضعف** شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

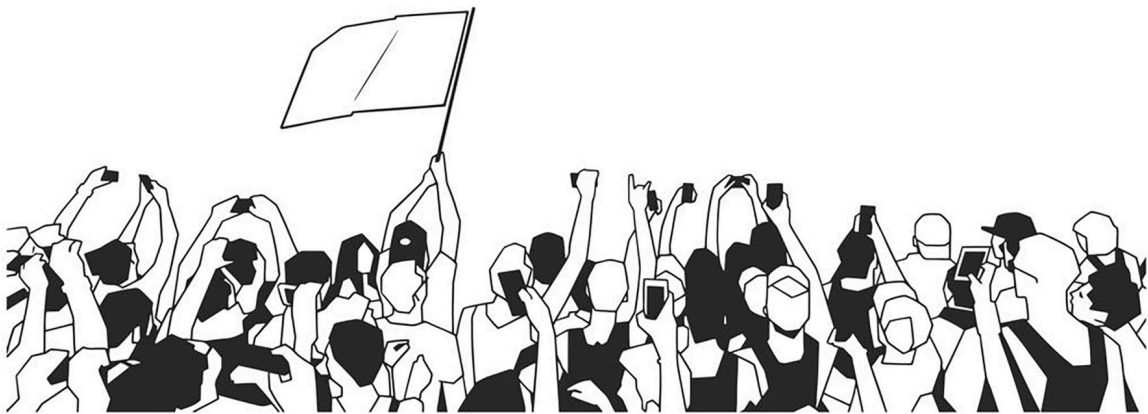
- غلبه تفکر هیجانی و احساسی بر تفکر عقلانی و استراتژیک در جریان کنش‌های صنفی
- ضعف برنامه و نداشتن نقشه راه برای تداوم مسیر کنشگری
- فقدان استراتژی کارآمد و موثر برای جذب بدنه معلمان و کادر آموزشی به فعالیتهای تشکیلاتی و صنفی
- فقدان روابط و مناسبات دموکراتیک و رفتاری قیوم‌آبانه حاکم بر شیوه تصمیم‌گیری در شورا
- نخبه‌گرایی و عدم تمایل به استفاده از ظرفیت نیروهای جوان در سطوح مختلف مشارکت و تصمیم‌گیری
- عدم آشنایی با اصول کنشگری آگاهانه، همچون حساس سازی، اطلاع رسانی، راه اندازی کمپین‌های هدفمند، مهارتهای ترویج و حمایت‌گری، تکنیک‌های بسیج اجتماعی مذاکره و چانه‌زنی بر مبنای رابطه برد-برد در روند پیگیری مطالبات از طریق سیاست‌گذاران
- سیاست‌زدگی و تمایل به قرار گرفتن در زمره گروههای اپوزوسیون
- تمایل بیش از حد به توجهات و حمایت‌های بیرون از جریان صنفی معلمان (همچنان برای بخشی از بدنه صنفی معلمان، توجه و حمایت برخی از جناح‌های سیاسی، گروهها و سازمانهای بین‌المللی و رسانه‌های داخلی و خارجی از اهمیت بیشتری نسبت به بدنه برخوردار است. در حالیکه به نظر می‌رسد هر جریان صنفی در درجه اول، مشروعیت خود را از مشارکت و حمایت حداکثری بدنه می‌گیرد.)

1. <https://davtalab.org/2020/496/>



- عدم برگزاری مجامع عمومی در بسیاری از تشکلات صنفی و همچنین اعضای مرکزی شورا با وجود سررسید مهلت قانونی فعالیت هیات مدیره آنها
 - عدم برگزاری کارگاهها و کلاسهای آموزشی برای آشنایی معلمان با حقوق صنفی خود و فنون کنشگری صنفی در شرایط محیطی پر مخاطره
- در عین حال ، **مهمترین نقاط قوت** شورا و تشکلات صنفی عبارتند از:
- ایجاد حساسیت و همراه کردن بخشهایی از جامعه با حرکتهای مطالبه‌گرانه معلمان
 - هماهنگی در برپایی همزمان تجمعات و کنشهای صنفی طی سالهای متمادی
 - افزایش سرمایه اجتماعی از طریق همراه کردن و جلب مشارکت گروههای جدیدی از معلمان
 - استفاده مناسب و نسبتاً مطلوب از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی برای اطلاع‌رسانی
 - همراهی و حمایت از خانواده‌های معلمان که در پی فعالیت صنفی درگیر پرونده‌سازی، بازداشت و زندان شده‌اند.
 - پایداری و تداوم فعالیت ها و کنش های صنفی علیرغم سرکوب گسترده

جمع بندی گزارش



جمع‌بندی گزارش

در طول یک سال گذشته؛ ایران با مسائل، تنگناها و بحران‌های تازه‌ای روبرو شده و به تبع آن آموزش و پرورش نیز شرایط مناسبی ندارد. جدای از مشکلات ساختاری در نظام آموزش و پرورش در طی سال‌های پس از انقلاب، بی‌ثباتی در مدیریت و بی‌برنامگی در عرصه آموزش، نظام آموزشی را با چالش‌های جدید نیز روبرو کرده است و اینک بعد از گذشت بیش از دو سال از دولت سیزدهم، دولت جدید نه تنها نتوانسته مشکلات پیشین را کاهش دهد، بلکه مشکلات جدیدی را نیز بر حجم مشکلات قبلی آموزش و پرورش افزوده است. جمع‌بندی گفتگو با کنشگران صنفی بیانگر آن است که مهمترین بحران‌های نظام آموزشی ایران در سال پیش رو را می‌توان در موارد زیر صورتبندی کرد:

بحران‌های حاکم بر نظام آموزشی کشور

ناکارآمدی حاکم در آموزش و پرورش سبب بحران کیفیت، عدالت و مشروعیت نظام آموزشی شده است: بحران کیفیت: به افت کیفیت آموزش، استفاده از روش‌های سنتی و غیرفعال آموزش، ناتوانی در پرورش مهارت‌های لازم در دانش‌آموزان و عدم تناسب محتوای آموزشی با نیازهای دنیای جدید اشاره دارد.

بحران عدالت: در نظام آموزشی سبب افزایش شکاف طبقاتی و نابرابری‌های اجتماعی، ترک تحصیل گسترده دانش‌آموزان بی‌بضاعت و کم‌بضاعت، تفاوت کیفیت آموزش در مناطق محروم و مرفه و گرایش به آموزش‌های خصوصی و غیردولتی شده است.

بحران مشروعیت: در نظام آموزشی که نارضایتی گسترده خانواده‌ها از نظام آموزشی، روی آوردن بخشی از مردم به مدارس غیردولتی و آموزش‌های خصوصی، عدم اعتماد به کیفیت آموزش دولتی و توسعه محتوای سیاسی و ایدئولوژیک را می‌توان از علایم وجودی آن دانست.

- محدودیت‌ها و فشارهای سیاسی

مروری بر آنچه در طول سال ۱۴۰۲ بر جنبش صنفی معلمان گذشته، نشان‌دهنده هجوم کم‌سابقه دستگاه‌های امنیتی و حکومتی به کنشگران و تشکلهای صنفی است. این شکل از رویارویی سرکوبگرانه، با برخوردهای صورت گرفته با فعالان صنفی معلمان در اواسط دهه ۸۰ و بویژه پس از تجمع صنفی گسترده معلمان در مقابل مجلس در سال ۱۳۸۵ قابل مقایسه است. برخوردهایی که در پی آن تشکلهای و کانون‌های صنفی معلمان برای

بیش از یک دهه از حق برگزاری مجامع عمومی و انتخابات محروم شدند. اکنون، پیوند تشکل سراسری شورای هماهنگی فرهنگیان با گروه‌های معترض به سیاست‌های حکومت در داخل و خارج از ایران، حساسیت حکومت و دستگاه‌های امنیتی را نسبت به فعالیت‌های صنفی معلمان بالاتر برده است. سرکوب گسترده جنبش صنفی معلمان و برخوردهای قضایی و امنیتی با کنشگران، صدور احکام زندان‌های طولانی مدت پرونده سازی در دادگاه‌های انقلاب و هیئت‌های تخلفات اداری صدور احکام اخراج، بازخرید، بازنشستگی اجباری، تبعید، قطع حقوق، حذف شمول رتبه‌بندی و انفصال از خدمت تعدادی از معلمان کنشگر صنفی، سیاسی که در پی احقاق حقوق معلمان هستند، را به دنبال داشته است. تداوم این روند به رادیکالیزه شدن هر چه بیشتر فضای مطالبه‌گری و گسترش اعتراضات صنفی در آینده‌ای نه چندان دور خواهد انجامید.

افزایش نگاه سیاسی-ایدئولوژیک و غیر کارشناسی

افرادی که درگیر استخدام نیروی انسانی در دستگاه‌های دولتی خصوصاً گزینش معلمان هستند، عمدتاً در راستای تامین منافع ایدئولوژیک نظام حاکم عمل می‌کنند و صرفاً درگیر خودشیفتگی‌های سیاسی-فرقه‌ای اند. مسئولان آموزش و پرورش و سازمان اداری استخدامی با ایجاد سازوکارهای تبعیض‌آمیزی، معلمان را به دو دسته خودی و غیرخودی تقسیم کرده‌اند. در این ساختار، تنها معلمانی جذب می‌شوند که در زمره خودی‌ها قرار داشته باشند و منافع نظام حاکم را برآورده کنند. علاوه بر این آموزش و پرورش با جذب و استخدام چند هزار نیروی آموزشی از میان روحانیون و تبدیل مدارس به شعبه دوم حوزه‌های علمیه در حال طی کردن مسیر اسلامیزه کردن نظام آموزشی با شیب تندتری است.

سلطه رویکرد ساختارگرایانه به جای انسانگرایانه

توجه به رویکرد ساختارگرایانه به جای انسان گرایانه در آموزش و پرورش باعث شده تا تاکید صرف بر محتوا و انتقال اطلاعات، بدون توجه به نحوه آموزش و چگونگی انتقال آن به دانش آموزان و نیز اولویت دادن به کمیت و توسعه آموزش، به جای ارتقاء کیفیت آموزش در دستور کار قرار گیرد. همچنین حاکمیت نگاه سیاسی و ایدئولوژیک بر محتوای آموزشی، محدودیت آزادی عمل معلمان و مدیران مدارس، عدم تناسب ساختار متمرکز با نیازها و تفاوت‌های منطقه ای به خصوص عدم توجه به آموزش زبان‌های مادری و ادیان و مذهب مورد تایید قانون اساسی در استان‌های مختلف، فقدان مشارکت ذینفعان آموزش در تصمیم سازی ها و تصمیم‌گیری‌ها و نبود ساز و کارهای اثربخش برای نظارت و ارزیابی کیفیت آموزش توسط معلمان و مدارس از دیگر چالش‌های است که نظام آموزشی با آن روبروست.

بحران عدم وجود سازمان نظام معلمی

با توجه به اینکه بر اساس بندهایی از برنامه هفتم توسعه که در دستور کار مجلس قرار دارد، بنا بر این است که برای معلمان و مدیران گواهینامه صلاحیت حرفه‌ای صادر شود لذا تسریع در تصویب سازمان نظام معلمی به عنوان ساختاری که می‌تواند تنها مرجع تخصصی در این زمینه باشد ضرورت دارد. چنانچه در اجرای رتبه‌بندی و ارزیابی معلمان خلاء این نهاد مدنی مشهود بود و پیامد اجرای قانون رتبه‌بندی بدون سازمان نظام معلمی موجب نارضایتی اکثریت معلمان شده است.

مولد سازی دارایی‌های نظام آموزشی در خطر ناکارآمدی و فساد

مسئله فروش، واگذاری و مولدسازی املاک آموزش و پرورش اکنون به نگرانی معلمان در خصوص دارایی‌های عمومی این نهاد بزرگ و تاثیرگذار افزوده است. املاک آموزش و پرورش دارایی‌های عمومی هستند و در حالی که در بسیاری از مناطق شهری با تراکم کلاسی بالای ۳۰-۴۰ نفره دانش‌آموزان مواجه هستند، فروش، واگذاری و مولدسازی املاک این سازمان، بسیار پرسش برانگیز و نگران‌کننده است. فعالان صنفی می‌گویند، اطلاع‌رسانی قطره چکانی در این زمینه خطر خطا، منحرف شدن و سوءاستفاده را چنان افزایش می‌دهد که اگر سودی هم در مولد سازی نهفته باشد، کارایی چندانی برای ساختار آموزشی و نسل‌های پی در پی دانش‌آموزان نداشته است.

عدم رسیدگی به مطالبات معطل مانده بازنشستگان کشوری

در برنامه هفتم توسعه پیشنهادی دولت به مجلس به مسائل و مطالبات بازنشستگان از جمله همسان سازی حقوق بازنشستگان بر مبنای ۹۰٪ حقوق شاغلین هم‌تراز که درخواست و مطالبه جدی بازنشستگان است مورد غفلت قرار گرفته است.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که شرایط وخیم امروز آموزش و پرورش، چشم‌انداز پیش روی جنبش صنفی معلمان را تا حدی روشن می‌کند. چشم‌اندازی که نشان‌دهنده افزایش دایره مطالبات برآورده نشده معلمان و در پی آن گسترش روند اعتراضات صنفی است. با این حال تداوم انسداد فضای مطالبه‌گری و افزایش هزینه فعالیت صنفی، اجازه برگزاری تجمعات و اعتراضات میدانی را از کنشگران و تشکل‌های صنفی سلب کرده است.

در چنین شرایطی مهمترین اقداماتی که می‌تواند در دستور کار فعالان و تشکلهای صنفی معلمان قرار گیرد شامل موارد زیر است:

- **احیای تشکلهای صنفی از طریق برگزاری مجامع عمومی و انتخابات صنفی:** معلمان چاره‌ای جز اینکه قدرت نمایندگی خود را به رخ نظام آموزشی و حاکمیت بکشند، ندارند. احیای تشکلهای صنفی از طریق برگزاری مجامع عمومی و جلب مشارکت ذینفعان مهمترین و محوری‌ترین راهبرد معلمان در شرایطی است که حکومت اجازه هرگونه کنش میدانی را از آنها سلب کرده و هزینه‌های کنشگری رادیکالیزه شده را بالا برده است.
- **ارتقاء سطح دانش و آگاهی کنشگران صنفی از نظام آموزشی و مطالبات معلمان:** برگزاری کارگاههای آنلاین و دسترسی به اطلاعات بروز باعث افزایش سطح آگاهی کنشگران از مطالبات و بحران‌های نظام آموزشی خواهد شد.
- **گسترش ارتباطات میان تشکلهای، بدنه و سایر ذینفعان نظام آموزشی:** با وجود فیلترینگ گسترده، شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی امروز ظرفیت مناسبی برای گسترش ارتباطات میان تشکلهای و ذینفعان نظام آموزشی دارند. استفاده هوشمندانه از ظرفیت این شبکه‌ها منجر به ایجاد پیوند میان تشکلهای و بدنه صنفی معلمان و همچنین سایر ذینفعان آموزش همچون دانش‌آموزان و والدین آنها خواهد شد.
- **برگزاری کمپین‌های نتیجه‌گرا و درگیر کردن بدنه با مسایل و مشکلات صنفی:** در سالهای اخیر کمپین‌های زیادی از سوی فعالان تشکلهای صنفی معلمان راه‌اندازی شده که از نتیجه بسیاری از آنها اطلاعی در دست نیست. این مسئله از یک سو به کمبود نگاه تخصصی به چرایی برگزاری کمپین‌های مطالبه‌گری اشاره دارد و از سوی دیگر به عدم گزارش‌دهی به موقع و اثرگذار برای افزایش مشارکت بدنه در جریان برگزاری کمپین برمی‌گردد. با برطرف کردن این نقاط ضعف می‌توان کارکرد و اثربخشی کمپین‌هایی که مطالبات خاصی را دنبال می‌کنند، بیشتر کرد.
- **همکاری و ائتلاف با سایر گروهها و تشکلهای صنفی و مدنی:** جنبش صنفی معلمان، جنبشی پیشرو است که از ابتدا قرار بود مطالبات صنفی همه معلمان را نمایندگی کند و در عین حال نیز پیوندی میان مطالبات معلمان و دغدغه‌های اجتماعی و اقتصادی طبقه متوسط و کارگر برقرار کند. ماندن در این مسیر و به نتیجه رساندن این مأموریت، نیازمند همکاری و ائتلاف گروههای مختلف صنفی - فارغ از جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک - بر سر منافع صنفی مشترک با یکدیگر است. این شکل از همکاری و ائتلاف قابلیت تعمیم‌پذیری به سایر گروهها و تشکلهای مستقل مدنی و صنفی را نیز دارد.

اسامے معلمان
بازداشتے، زندانے
درسال ۱۴۰۲



**وضعیت احکام قضایی / اداری علیه فعالان صنفی معلمان
به تفکیک از سال ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۳**

موضوع حکم	تعداد/نفر
۱ معلمان اخراجی و بازخرید	۱۳ نفر
۲ معلمان محروم از رتبه‌بندی	۷۸ نفر
۳ معلمان منفصل موقت از خدمت	۲۲ نفر
۴ معلمان با تقلیل گروه و جریمه نقدی	۳۱ نفر
۵ معلمان آزاد شده با پابند الکترونیک	۹ نفر
۶ معلمان دارای پرونده باز قضایی	۶۰ نفر
۷ معلمان زندانی	۱۱ نفر

نام	نام خانوادگی	استان	مدت محکومیت
۱	رسول	تهران	بابت اتهام اجتماع و تبانی به چهار سال و شش ماه، و برای اتهام تبلیغ علیه نظام یکسال
۲	جعفر	تهران	بابت اتهام اجتماع و تبانی چهار سال و برای اتهام تبلیغ علیه نظام یکسال
۳	غلامرضا	فارس	دو سال حبس و مجازات‌های تکمیلی همچون تبعید به بیرجند و ممنوعیت استفاده از شبکه‌های اجتماعی و ممنوعیت عضویت در دسته‌جات
۴	هاشم	خراسان رضوی	۱۶ سال زندان، دو سال تبعید به شهرستان نیکشهر در استان سیستان و بلوچستان، و دو سال ممنوعیت از خروج از کشور
۵	جواد	خراسان رضوی	بابت ۲ پرونده، برای هر یک به میزان ۸ سال حبس تعزیری و از بابت ۱ پرونده هم به تحمل ۵ سال حبس تعزیری محکوم شده که پس از تجمیع، بخشی از آن لازم به اجرا است
۶	عزیز	گیلان	بابت تبلیغ علیه نظام به ۱ سال حبس و انفصال دائم از مشاغل دولتی محکوم شده است
۷	احمد	ایلام	این معلم به ۱۳ سال زندان، دو سال تبعید و دو سال منع تحصیل محکوم شده است
۸	ناهید	البرز	بابت اتهاماتی از جمله اجتماع و تبانی و تبلیغ علیه نظام محاکمه و به ۵ سال حبس محکوم شده است
۹	زینب	تهران	به اتهام «اجتماع و تبانی» به ۵ سال حبس محکوم شد.
۱۰	محمد حسین	خراسان رضوی	به اتهام توهین به اسلام، اهانت به خمینی و خامنه‌ای، براندازی حکومت جمهوری اسلامی، تبلیغ علیه نظام، مصاحبه با رسانه‌های معاند نظام، تشویش اذهان عمومی به ۶ سال حبس، محکوم شد
۱۱	محمد	مرکزی	یک سال حبس تعزیری

اسامی معلمان زندانی آزاد شده با پابند الکترونیکی

نام	نام خانوادگی	استان	عضو انجمن/کانون صنفی
۱ ایرج	رهنما	فارس	انجمن صنفی فارس
۲ امید	شاهمحمدی	کردستان	انجمن صنفی سنندج
۳ محمدعلی	زحمتکش	فارس	انجمن صنفی فارس
۴ افشین	رزمجویی	فارس	انجمن صنفی فارس
۵ مژگان	باقری	فارس	انجمن صنفی فارس
۶ زهرا	اسفندیاری	فارس	انجمن صنفی فارس
۷ عبدالرزاق	امیری	فارس	انجمن صنفی فارس
۸ حسین	رمضان پور	خراسان شمالی	کانون صنفی معلمان خراسان شمالی
۹ مهدی	فتحی	فارس	

نام	نام خانوادگی	استان محل فعالیت
۱ اسکندر	لطفی	کردستان
۲ محمد	حبیبی	تهران
۳ جعفر	ابراهیمی	تهران
۴ شعبان	محمدی	کردستان
۵ مسعود	نیکخواه	کردستان
۶ تحسین	مصطفی	کردستان
۷ محسن	عمرانی	بوشهر
۸ عبدالرضا	امانی فر	بوشهر
۹ اصغر	حاجب	بوشهر
۱۰ مسعود	فرهیخته	تهران
۱۱ مجید	کریمی	
۱۲ اولدوز	هاشمی	
۱۳ ژاله	روحزاد	تهران
۱۴ سیامک	چهرازی	خوزستان
۱۵ پیروز	نامی	خوزستان
۱۶ کوکب	بداغی پگاه	خوزستان
۱۷ ابوالفضل	رحیمی شاد	تهران
۱۸ امید	شاه محمدی	کردستان
۱۹ کاوه	محمدزاده	کردستان
۲۰ هیوا	قریشی	کردستان
۲۱ پرویز	احسنی	کردستان
۲۲ محمود	صفدری	خراسان شمالی

نام	نام خانوادگی	استان محل فعالیت
۲۳ حسین	واحدی	خراسان شمالی
۲۴ منصوره	عرفانیان	خراسان رضوی
۲۵ غلامرضا	اکبرزاده	گیلان
۲۶ تیمور	باقری کودکانی	گیلان
۲۷ حسین	مهدی زاده	
۲۸ محمد جواد	سعیدی	گیلان
۲۹ علی	نهالی	گیلان
۳۰ یداله	بهارستانی	گیلان
۳۱ جهانبخش	لاجوردی	گیلان
۳۲ طهماسب	سهرابی	گیلان
۳۳ صلاح	آزادی	کردستان
۳۴ آرام	قادری	کردستان
۳۵ سیوان	سلیمانی	کردستان
۳۶ آرام	محمدی	کردستان
۳۷ احمد	حیدری	تهران
۳۸ میترا	رشیدی	کرمان
۳۹ محمود	ملاکی	بوشهر
۴۰ جبار	دوستی	کردستان
۴۱ سکینه	ملکی	گیلان
۴۲ ابوالفضل	خوران	اراک
۴۳ قدرت الله	پوریانی	

نام	نام خانوادگی	استان محل فعالیت
۴۴ شیدا	شمس	کردستان
۴۵ زکیه	رستمیان	
۴۶ زهرا	عوض زاده	خراسان شمالی
۴۷ آرزو	محمدی	
۴۸ شکراله	احمدی	
۴۹ محمود	بهشتی	تهران
۵۰ محمدرضا	رمضانزاده	خراسان شمالی
۵۱ نوروزعلی	رشیدنژاد	یاسوج
۵۲ علی	کروشانی	خوزستان
۵۳ محمد	صادقی	مرکزی
۵۴ روح الله	گره گشا	فارس
۵۵	احمدی	فارس
۵۶ علی	احمدی	فارس
۵۷ حسن	هنری	
۵۸ اسماعیل	عبدی	تهران
۵۹ ژیلا	خیر	فارس
۶۰ عبدالله	عبدالملکی	کردستان

اسامی معلمان اخراجی از آموزش و پرورش

نام	نام خانوادگی	استان	شهر
۱	رسول	بداقی	تهران
۲	عاتکه	رجبی	خراسان رضوی
۳	شیوا	عاملی راد	کردستان
۴	محمد	حبیبی	تهران
۵	حسن	نظریان	گیلان
۶	سارا	سیاهپور	البرز
۷	جعفر	ابراهیمی	البرز
۸	عزیز	قاسم زاده	گیلان
۹	محمد	سعیدی ابواسحاقی	چهارمحال و بختیاری،
۱۰	محمد	دارکش	تهران
۱۱	محمود	ملاکی	بوشهر
۱۲	فریبا	انامی	گیلان
۱۳	سکینه	ملکی	گیلان

نام	نام خانوادگی	استان محل فعالیت
۱ کوکب	بداغی پگاه	خوزستان
۲ پیروز	نامی	خوزستان
۳ علی	کروشانی	خوزستان
۴ حمید	جعفری	کاشان
۵ علی	حاجی	آذربایجان شرقی
۶ بهاره	عسکری زاده	خوزستان
۷ فرشته	اسکندر زاده	
۸ مجید	رجایی	خراسان جنوبی
۹ حسین	رمضانپور	خراسان شمالی
۱۰ رحیم	دانیالی	ایلام
۱۱ امید	افضلی پور	
۱۲ علیرضا	همتی	ایلام
۱۳ الهه	صادقی	خراسان شمالی
۱۴ احمد	علیزاده	ایلام
۱۵ اسماعیل	خدایاری	قزوین
۱۶ رحمان	عابدینی	البرز
۱۷ لطف الله	جمشیدی	
۱۸ بهرنگ	زنگنه	خوزستان
۱۹ حمزه	کیانی	
۲۰ ستار	زارعی	مرکزی
۲۱ رضا	اینانلو	
۲۲ غلامعلی	شهریاری	

نام	نام خانوادگی	استان محل فعالیت
۱ پیروز	نامی	خوزستان
۲ کوکب	بداغی پگاه	خوزستان
۳ زهره	اسکندری	بوشهر
۴ حیدر	دارایی	
۵ ابوالفضل	رحیمی شاد	تهران
۶ احمد	حیدری	
۷ عبدالرضا	قندهاری	نیشابور
۸ صفیه	رگنی	
۹ سید جواد	حسینی	
۱۰ محمدرضا	شریعتی	
۱۱ محمود	صفدری	خراسان شمالی
۱۲ یعقوب	یزدانی	خراسان شمالی
۱۳ زهرا	عوض‌زاده	خراسان شمالی
۱۴ الهه	صادقی	خراسان شمالی
۱۵ حسین	رمضانپور	خراسان شمالی
۱۶ ملیحه	واعظ	
۱۷ شیدا	شمس	کردستان
۱۸ غلامعلی	شهریاری	
۱۹ حمزه	کیانی	
۲۰ شهروز	فروتن کیا	خوزستان
۲۱ بهرنگ	زنگنه	خوزستان
۲۲ مژگان	باقری	فارس

نام	نام خانوادگی	استان محل فعالیت
۲۳ ژیلا	خیر	فارس
۲۴ مریم	زیرک	قزوین
۲۵ اسماعیل	خدایاری	قزوین
۲۶ مهین	صفاری	
۲۷ امید	شاه محمدی	کردستان
۲۸ پرویز	احسنی	کردستان
۲۹ خالد	سلیمانی	کردستان
۳۰ زاگرس	رضایی	
۳۱ قدرت الله	پوریانی	
۳۲ سامان	کوشش	
۳۳ تحسین	مصطفی	کردستان
۳۴ آرام	قادری	کردستان
۳۵ مختار	محمدی	کردستان
۳۶ مختار	اسدی	کردستان
۳۷ غیاث	نعمتی	کردستان
۳۸ فیصل	نوری	کردستان
۳۹ مجید	کریمی	کردستان
۴۰ ژیلا	رحیمی	
۴۱ لقمان	الله مرادی	کردستان
۴۲ لیلا	عنایت زاده	کردستان
۴۳ طاهر	قادرزاده	کردستان

نام	نام خانوادگی	استان محل فعالیت
۴۴ صلاح الدین	سرخی	کردستان
۴۵ سلیمان	عبدی	کردستان
۴۶ خالد	عبداللهی	کردستان
۴۷ اسماعیل	لامع زاده	
۴۸ احمد	قادری	کردستان
۴۹ آمانج	امینی	کردستان
۵۰ امجد	بختیاری	
۵۱ هیوا	قریشی	کردستان
۵۲ کاوه	محمدزاده	کردستان
۵۳ فاطمه	غلامی	کردستان
۵۴ فاروق	سعیدزاده	کردستان
۵۵ زهرا	صیاد دلشادیپور	گیلان
۵۶ سکینه	ملکی	
۵۷ روح الله	مردانی	البرز
۵۸ تارا	اکبرزاده	مازندران
۵۹ سید مهدی	حسینی	گیلان
۶۰ فرهاد	میرزایی	
۶۱ رحیم	دانیالی	ایلام
۶۲ علیرضا	همتی	ایلام

نام	نام خانوادگی	استان محل فعالیت
۶۳	محمدعلی پورسردار	ایلام
۶۴	احمد علیزاده	ایلام
۶۵	یعقوب محمدی	ایلام
۶۶	کیومرث واعظی	کرمانشاه
۶۷	صفیه بسیم	البرز
۶۸	حمید عباسی	فارس
۶۹	علی شمایی	
۷۰	محمد قنای	مرکزی
۷۱	معصومه خورشیدی	مرکزی
۷۲	مریم خورشیدی	مرکزی
۷۳	عباس علیدادی	مرکزی
۷۴	حسین سهراب نسب	
۷۵	ایرج کاردان	مرکزی
۷۶	احمد نعیمی	
۷۷	اسکندر لطفی	کردستان
۷۸	سهیلا خالیدی	کردستان

نام	نام خانوادگی	مجازات
۱	مریم زیرک	کسر از حقوق
۲	میترا رشیدی	کسر از حقوق
۳	فاطمه بهمنی	کسر از حقوق
۴	محمد کرد	کسر از حقوق
۵	غلامعلی شهریاری	کسر از حقوق
۶	عیسی فصیحی	کسر از حقوق
۷	سهیلا زال بیگی	کسر از حقوق
۸	محمدرضا بهنام نژاد	کسر از حقوق
۹	قدرت الله پوریانی	کسر از حقوق
۱۰	ابوالفضل رحیمی شاد	کسر از حقوق
۱۱	مستوره حق دوست	کسر از حقوق
۱۲	حسن جوهری	کسر از حقوق
۱۳	مصطفی رباطی	کسر از حقوق
۱۴	علی فروتن	کسر از حقوق
۱۵	سعید حق پرست	کسر از حقوق
۱۶	حمیدرضا رجایی	کسر از حقوق
۱۷	حسین رمضانپور	کسر از حقوق
۱۸	هیمن ره انجام	کسر از حقوق
۱۹	ابوالفضل خوران	کسر از حقوق
۲۰	تارا اکبرزاده	کسر از حقوق
۲۱	علی فلاح باریکی	کسر از حقوق
۲۲	یعقوب یزدانی	جریمه نقدی

نام	نام خانوادگی	مجازات
۲۳	زهرا	عوض زاده
۲۴	محمدرضا	رمضانزاده
۲۵	یعقوب	محمدي
۲۶	احمد	علیزاده
۲۷	فاروق	سعید زاده
۲۸	سکینه	ملکی
۲۹	محمود	بهشتی
۳۰	کریم	بستانی
۳۱	محمود	صفدری

بررسی وضعیت
جنبش صف‌معلمان
در ایران



www.davtalab.org

۱۴۰۲

